ماشاء الله لا قوة الا بالله

الحمد لله کہ از تصنیف جناب قاضی محمد ثناء الله صاحب بمقور رسالہ



باہتمام اسید فضلی محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مبرمر

در مطبع وسیع واقع کانپور مطبوع گردید

UNIVERSITY LIBR

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الآخرة وهو الذی یثبت الذین آمنوا بالقول الثابت فی الدنیا والآخرة والصلوة والسلام علی محمد ن المبعوث بخیر الادیان لصلاح الدنیا والآخرة بعد از حمد وصلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی پانی پتی مجددی میگوید که مردن امر ست لابد لامفر منه وذکر موت واحوال آن یاد داشتن باعث رفع غفلت وموجب برکات ست لهذا رساله بزبان فارسی در احوال موت واموات وقبور از کلام امام المتاخرین شیخ جلال الدین سیوطی رحمة الله علیه استفاده نموده مینویسد تا فیض آن عام شود **باب بدء الموت** ابن ابی شیبه از حسن بصری روایت کرده است که حق تعالی چون آدم وذریت او را پیدا کرد ملائکه گفتند آلهی زمین اینها را گنجایش نخواهد کرد حق تعالی فرمود که در اینها موت گردانم گفتند پس اینها را زندگی گوارا نشود فرمود که آنها را طول امل دهم واحمد از مجاهد ذکر کرده که چون حق تعالی آدم را بزمین فرستاد فرمود **اَبْنِ لِلْخَرَابِ وَالِدْ لِلْمَوْتِ** **مسئله** تمنی موت ودعا بدان برای رنج ومصیبت جایز نیست در صحیحین از انس رض مرفوعست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آرزوی موت برای رنج نکنید اگر ناچار باشید بگوید اللهم احینی ما کانت الحیوة خیرا لی وتوفنی اذا کانت الوفاة خیرا لی ودر نهی از تمنی موت احادیث بسیار اند اگر نکو کار ست شاید نکوئی زیاده کند واگر بدکار ست شاید که توبه کند این چنین بخاری از ابی هریره از آنحضرت ص روایت کرده اند وترمذی واحمد وحاکم از ابی بکر ره روایت کرده که مردی پرسید یا رسول الله بهترین مردم کیست فرمود کسی که عمرش دراز بود وعملش نیک پرسید بدترین مردم کیست فرمود

فرمود هر که عمرش دراز باشد و عملش بد این حدیث صحیح ست و احمد از ابی هریره روایت کرد
که مردی شهید شد و برادرش بعد سالی مرد طلحه رضی الله عنه بهشت را بخواب دید و برادر
دوم را از شهید پیش قدم دید و این خواب بجناب حضرت صلی الله علیه وسلم گفت و
تعجب کرد آنحضرت فرمود که آنکه بعد مرده ست آیا یک رمضان صوم و یکسال نماز ادا کرده
یعنی جای تعجب نیست **مسئله** اگر در دین خوف فتنه باشد آرزوی موت جائز ست و در دعای
آنحضرت منقول ست اذا اردت بقوم فتنة فاقبضنی الیک غیر مفتون و آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود باید که کسی از شما آرزوی موت نکند مگر وقتیکه اعتماد نباشد او را که عمل نیک کند
فصل بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود موت تحفه
مومن ست و همچنین از آن حضرت جابر و امام حسین و عائشه رضی الله عنهم روایت کردند
الموت غنیمة المومن ریحانة المومن و در حدیث صحیح آمده که دو چیز را آدم مکروه میداند موت را
و موت بهتر ست از معصیت و قلت مال را و از قلت مال حساب کم باشد فائده دگاهی
بزرگان از شوق وصال حق آرزوی موت کرده اند رسول صلی الله علیه وآله وسلم وقت وفات
گفته اللهم الرفیق الاعلی و یوسف علیه السلام گفته توفنی مسلما و الحقنی بالصالحین و طبرانی
از ابی مالک اشعری روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم آلهی موت را محبوب
کن بسوی هر که مرا رسول تو داند موکوی رو م میگوید من شوم عریان زن او از خیال
تا خرامم در نهایات الوصال **فصل** ۲ قرطبی گفته که در حدیث آمده که بعضی انبیا از ملک الموت
گفت که تو پیش از آمدن خود چرا کسی را نمی فرستی که مردم از تو هشیار باشند ملک الموت
گفت که والله پیش از من چند چیز می آیند و آگاه میسازند بیماریها و پیری و تغیر سمع و بصر پس
چون یاد نکند مرا و توبه نکرد من آواز میدهم وقت مرگ که آیا من پیش خود رسول بعد رسول و
نذیر بعد نذیر نفرستاده بودم حالا من خود رسول و نذیرم بعد من رسول و نذیر نیست و در حدیث صحیح
از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ست که فرموده که هر کرا حق شصت سال
عمر داد او را عذر باقی نگذاشت **باب** در علامت خاتمه خیر و بد و اسباب آن رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود وقتیکه الله اراده نیکی کند از بنده از و عمل نیک کناند پیش از مرگ رواه

الترمذی وحاکم عن انس وحاکم واحمد از عمرو بن الجموح همچنین آورده وزیاده کرده تا آنکه همسایه او
از و راضی شوند واز عائشه رضی الله عنها از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده وقتیکه حق تعالی اراده نیکی کند بکسیان پیش
از مرگ او فرشته نفرستد که محکم کند کار او را و توفیق دهد او را تا آنکه بمیرد بر نیکوترین اوقات او پس
چون حاضر شود موت و بیند آنچه مهیا کرده است برای او خدا قصد برآمدن کند جان او از حرص
پس انگاه دوست دارد ملاقات خدا را و دوست دارد خدا ملاقات او را و چون خواهد الله بنده
بدی مسلط کند پیش از مرگ او بکسیان شیطانی را که گمراه کند او را تا آنکه بمیرد بر بدترین اوقات او پس
چون موت حاضر شود و بیند آنچه مهیا کرده است حق تعالی برای او از عذاب قصد فرو فرستن کند
جان او برای مکروه داشتن خروج پس انگاه مکروه داند بنده ملاقات خدا را و خدا ملاقات او را بعضی
علما گفته که اسباب سوء خاتمه نعوذ بالله منها چهار چیز اند مستی و نماز و خوردن خمر و نافرمانی والدان
مسلمانان و آنحضرت فرمودند صلی الله علیه وآله وسلم که مسلمان می میرد از عرق پیشانی رواه الترمذی
وحاکم و صحیحه عن بریده و آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم وقت مرگ اگر از پیشانی عرق و آب از
چشمان رنج دیده بینی فراخ شوند پس رحمت خدا بر وی نزول کرده است و اگر از گلو آواز مثل آواز
شتر مخنوق برآید و رنگ او تباه شود و هر دو شقیقه او خار شود پس عذاب خدا است که در آمده در و
رواه الترمذی عن سلمان الفارسی و در حدیث آمده موت مؤمن بعرق پیشانی میشود و هیچ مسلمانی
نیست مگر از وی گناهی سر زده است عوض آن رنج و شدت در دنیا شده انچه باقی مانده سختی موت کافر
آن میشود رواه البیهقی عن ابن مسعود **فایده** سختی موت مؤمن و کافر هر دو رامی شود برای مؤمن رحمت است
که کفاره گناه و رفع درجه او میشود و کافر را اول شدت ست که بوی میرسد و گاهی بر کافر بسبب
بعضی اعمال صالحه وقت مرگ که آخر ایام دنیاست آسانی میشود و این چنین در حدیث ابن مسعود
از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم طبرانی روایت کرده از وهب بن الورد دینوری روایت کرده که
حق تعالی میفرماید از دنیا بنمی آرم کسی را مگر آنکه اگر در حق او رحمت میخواهم بر گناهی میکند عوض او را بمیاری
در مصیبت در اهل و بستگی معاش تنگی رزق میدهم و اگر چیزی از گناهان او باقی میماند وقت مرگ بر وی سختی میکنم تا آنکه بمیرد
پاک از گناهان چنانچه بود در ولادت و اگر در حق او عذاب میخواهم بر حسنه که کرده است عوض آن او را صحت بدن
و فراخی رزق و راحت زندگانی در من میدهم اگر چیزی باقی ماند از حسنات او مرگ بر وی آسان میکنم تا آنکه بمیرد

وهیچ حسنه او را نباشد که از آتش پناه او بود و ابن ماجه از عائشه رضی روایت کرده که آن حضرت صلی
که مسلمان را ثواب میرسد در هر چیز تا آنکه در سختی وقت مرگ هم و در حدیث صحیح ابن ابی الدنیا از
حسن بصری از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرمود سختی موت بقدر سیصد
ضرب شمشیر باشد و هم او از علی رضی روایت کرده که هزار ضرب شمشیر آسان ست از موت خطیب و
از انس از آنحضرت همچنین روایت کرده و شهید را الم موت نباشد مگر مانند خاریدن بناخن همچنین
خطیب از قتاده از آنحضرت روایت کرده **باب** آنچه انسان در مرض موت بگوید و آنچه نزدی
خوانده شود و تلقین میت و بعد موت آنچه گفته شود و حاکم از سعد بن ابی وقاص از آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرمود هر که در مرض خود لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین چهل بار خواند اگر دران مرض بمیرد ثواب شهید یابد و اگر تندرست شود گناهان او بخشیده
شود و مروزی از بکر بن عبد الله المزنی روایت کرده که گفت هر گاه ملک الموت آید و او باوضو
باشد او را ثواب شهادت داده شود و احمد حاکم از آنحضرت روایت کرده که هر که آخر کلام او لا اله
الا الله باشد داخل بهشت شود و مسلم از آن حضرت روایت کرده که تلقین کنید یعنی یاد دهید
کسی را که موت او حاضر شود لا اله الا الله بیهقی در شعب الایمان از ابی اوفی روایت کرده که در حضور
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم غلامی را لا اله الا الله تلقین کردند او تو لست گفت بسبب عقوق
والدین هر گاه مادرش راضی شد لا اله الا الله گفت آنزمان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم گفت
الحمد لله الذی انقذه بی من النار یعنی الحمد لله که او را حق تعالی بسبب من از آتش خلاصی داد و
ابن عساکر از عبد الله المجاری روایت کرده که مردی را گفته شد که لا اله الا الله بگو او گفت که
نمیتوانم گفت بودم صحبت داشتم با قومی که مرا امر میکردند بد گفتن ابی بکر و عمر رضی الله عنهما

فصل ابن ابی الدنیا و دیلمی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده
که بر سر میت اگر یس خوانده شود خدا بروی مرگ آسان کند و ابن ابی شیبه و مروزی از شعبی
روایت کرده که انصار نزد میت سورهٔ بقر میخواندند و مروزی از جابر بن زید روایت کرده که
دوست میداشت وقت حاضر شدن میت خواندن سورهٔ رعد را ازین مرگ آسان میشود
و میگفتند که مردم یک ساعت پیش از مردن کسی در حضور آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم

این دعا میخواند اللهم اغفر لفلان بن فلانة وبرد علیه مضجعه وسع علیه فی قبره واعطه الراحة بعد الموت
والحقه بنبیه وتول نفسه وصعد روحه فی ارواح الصالحین واجمع بیننا وبینه فی دار یبقی فیها الصحة
واذهب عنا النصب واللغوب ویصلی علی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم واین دعا مکرر خواند تا که
قبض روح او شود وابن ابی شیبه از ام سلمه روایت کرده که گفته شود نزد محتضر کلام سلام و صلی الله علی
والحمد لله رب العالمین وطبرانی از انحضرت روایت کرده که ملائکه نزد میت حاضر میشوند وآمین
میگویند بر انچه اهل خانه میت میگویند پستر انحضرت گفت اللهم ارفع درجته فی المهدیین واخلفه
فی عقبه فی الغابرین واغفر لنا وله یوم الدین باب در احوال ملک الموت واعوان او وابن انی
الدنیا از ابن مسعود وابن عباس روایت کرده که چون حق تعالی ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کرد ملک
الموت از جناب الهی اذن خواست که ابراهیم را ازین معنی بشارت دهم اذن شد وملک الموت
پیش ابراهیم آمد وبشارت داد ابراهیم حمد خدا گفت پستر گفت ای ملک الموت ارواح کفار را چگونه
قبض میکنی گفت ای ابراهیم طاقت دیدن نیاوری گفت آرم ملک الموت گفت روی از من
بگردان روی گردانید پستر دید ملک الموت را بصورت مردی سیاه سر تا بسر آسمان کشیده می آید از
دهن او شعله آتش ودر تمام بدن هر موی که هست بصورت مردیست که از دهن واز هر مسام او
شعله آتش می برآید ابراهیم او را دیده غشی کرد پستر بافاقت آمد وملک الموت را بصورت اصلی
دید وگفت ای ملک الموت اگر کافر را هیچ رنج وبلا نباشد همین قدر صورت تو بس است پس گفت
تمام را چگونه قبض میکنی روح مومن را گفت روی بگردان از من روی بگردانید پستر دید مردی
جوان خوبترین مردم در حسن وجمال وخوشبوی در پارچه های سفید پاکیزه پستر گفت ای ملک الموت
اگر مسلمان را نزد مردن دیگر راحت وکرامت نباشد همین قدر صورت تو بس است وهمچنین ابن
ابی الدنیا از کعب روایت کرده وابن ابی حاتم از زبیر بن محمد روایت کرده که از رسول صلی الله علیه
وآله وسلم گفتند که یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ملک الموت یکی ست ودر صفهای جنگ از
مشرق ومغرب ودر میانه مردم می میرند فرمود که حق تعالی جمع کرده است تمام دنیا را برای
ملک الموت چنانچه طشت نزدیکی از شما باشد واحمد از معمر روایت کرده که ملک الموت اجل نسمه
را میداند تا که حکم شود به قبض روح او وابن ابی الدنیا از ابن جریج روایت کرده که ملک الموت را

حکم میشود که فلان کس را در فلان وقت قبض کن و ابو نعیم و غیره از مجاهد روایت کردند که تمام
زمین نزد ملک الموت مانند طشت ست میگیرد از هر جا که خواهد و برای او مددگاران یعنی پیکران
اند قبض روح میکنند پس از انها ملک الموت میگیرد و چه بر در تفسیر خود از ابن عباس روایت کرده
که همراه ملک الموت ملائکه رحمت و ملائکه عذاب اند جان پاک را قبض کرده بملائکه رحمت میدهد
و جان خبیث را بملائکه عذاب می سپارد و ابن ابی حاتم و ابن ابی شیبه از ابن عباس روایت کرده
که ملک الموت را اعوان اند و همچنین ابو الشیخ از نخعی روایت کرده و گفته که از اعوان ملک الموت
میگیرد و از ابن وهب مرویست که ملائکه که همراه آدمیان هستند همان اجل اورا مینویسند و همان
قبض روح میکنند و ملک الموت را می سپارند ملک الموت رئیس انهاست و طبرانی و ابن مندہ
از حارث بن النخریج روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم ملک الموت را نزد سر مردی
از انصار دید و فرمود ای ملک الموت رفق و مهربانی کن با یار من که مسلمان ست ملک الموت
گفت خوش باش یا محمد من با هر مسلمان رفیق و مهربانم و بدان یا محمد که من روح ابن آدم را
قبض میکنم پس وقتیکه آواز گریه می برآرند اهل او در خانه او استاده میشوم و با من روح او می باشد
و میگویم ای گریه کنندگان قسم بخدا ما ظلم بوی نکرده ایم و اجل وی را سابق نکرده ایم و جلدی
ننموده ایم و ما را در قبض روح گناهی نیست اگر بحکم خدا راضی باشید ثواب یابید و اگر ناخوش شوید
گنه گار شوید و بدرستی که ما را نزد شما باز آمدن ست و باز آمدن پس هشیار باشید و هیچ خانه نیست
از نکوکاران و بدکاران مگر آنکه متوجه میباشم بدان شبانه روز تا که من می شناسم هر صغیر و کبیر را
زیاده تر از نفس شان و قسم بخدا اگر خواهم که قبض روح یک پشه کنم نمیتوانم تا که حق تعالی اذن
دهد و امام جعفر صادق گفته که در اوقات نماز ملک الموت بر مردم متوجه میشود پس چون وقت
مرگ بیند کسی را که بر نمازهای پنجگانه محافظت داشت نزدیک او میشود و شیاطین را از و دفع میکند
و کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله بوی تلقین میکند و ابن ماجه از ابی امامه روایت کرده که
رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که حق تعالی قبض ارواح بملک الموت نسپرده مگر ارواح
شهدا را بحکم خود قبض می فرماید یعنی کسانیکه برای حج بر جهاز سوار می شوند **فصل** رسول
صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که در شب نصف از شعبان نوشته میشود کسانی که در آن سال

بمیرد شخص نکاح میکنند و تولد میکنند و نام او در اموات ست و وحی میشود بسوی ملک الموت
برای قبض روح کسانیکه دران سال حکم مردن شان باشد و همچنین در حدیث مرفوع و موقوف
آمده و حاکم در مستدرک از عقبه بن عامر آورده که اول کسی که موت آدمی را میداند حافظ او که
عمل او را می برد بآسمان و رزق او می آرد و قتیکه رزق خارج نشده و انست که خواهد مرد باب
در بیان کیفیت موت مومن و کافر و بیان ملائکه و غیره که وقت مرگ حاضر میشوند و انچه او رامیت
می بیند و می شنود احمد و ابو داود و غیرهما بطرق صحیحه از براء بن عازب روایت کرده اند که آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم بر جنازهٔ مردی از انصار دو سه بار استعیذ بالله من عذاب القبر گفت و
فرمود که بندهٔ مومن را وقت مرگ ملائکه از آسمان فرود می آیند خوش رو گویا روهای شان
مثل آفتاب ست با آنها کفنها و خوشبویها از جنت باشد و گرد وی بنشینند تا مد نگاه پستر
ملک الموت آمده نزد سر آن کس بنشیند پس بگوید ای نفس مطمئنه یعنی آرمیده بذکر خدا برآ
بسوی مغفرت و خوان او پس بر آید جان او چنانچه قطرهٔ از مشک میچکد یعنی بآسانی پس ملک
الموت آنرا میگیرد و از ملک الموت در طرفة العین ملائکه که گرد نشسته بودند میگیرند و دران کفن
و خوشبوی داخل میسازند و ازان نفس خوشترین بوی مشک برمی آید پس آن نفس را بسوی
آسمان میبرند پس هر گروه ملائکه که میگیرند میگویند که چه خوش روح پاک ست و نام او بکمال
تعظیم میگیرند که فلان بن فلان ست تا که میرسند بآسمان و درهای آسمان را میکشایند و کشاده
میشوند و مشایعت او میکنند ملائکه مقربان از هر آسمان تا آسمان دیگر تا که برسد بآسمان هفتم
پس حق تعالی بفرماید بنویسید نامهٔ بندهٔ من در علیین و باز برید او را بسوی زمین پس من ازان
که پیدا کرده ام آنها را از زمین و دران باز گردانم و از انجا باز بیرون آرم بار دیگر پس گردانیده میشود
روح او در بدن او پس بیایند دو فرشته پس او را بنشانند پس بگویند من ربک یعنی کیست
پروردگار تو گوید پروردگار من الله ست پس بگویند چیست دین تو گوید دین من اسلام ست
پس بگویند چیست این مرد که در میان شما مبعوث شده پس بگوید او رسول الله ست صلی
الله علیه و آله و سلم پس بگویند از چه دانستی پس بگوید خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم و
تصدیق کردم پس آواز دهد آواز دهنده از آسمان که بندهٔ من راست گفته پس فرش کنید

برای او از جنت و بپوشانید او را از جنت و بگشایید برای او دری بسوی جنت پس آمده باشد
او را باد خوش و خوشبو از جنت و فراخ کرده شود قبر او تا مد نگاه پس آید نزد او مردی خوشتر
و پاکیزه لباس خوشبو پس بگوید شاد باش بخیری که آسان کرد خدا ترا این روز تست که وعده
کرده شده بودی پس بگوید تو کیستی روی تو خوشی و خوبی می آرد پس بگوید که من عمل نیک
توام پس بگوید ای پروردگار قیامت قائم کن تا رجوع کنیم بسوی اهل و مال خود فرمود رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم و بدستی که بنده کافر را وقت مرگ ملائکه سیاه رو آیند با آنها مسوخ باشد
یعنی پوشاک آهنی از دوزخ پیش نشینند ملائکه نزد او تا مد نگاه پس آید ملک الموت و بنشیند نزد سر
او پس بگوید برآی ای نفس خبیث بسوی غضب خدا پس متفرق شود روح او در بدن او پس بکشد آنرا
چنانچه کشیده میشود سیخ از پشم تر پس میگیرد ملک الموت او را پس نمیگذارند او را ملائکه عذاب در
دست او طرفة العین تا که میکنند او را و از آن مسوخ و بری آید از وی بوی مانند بدترین بوی مردار پس
می برند او را بسوی آسمان پس نمیگذرد بر جماعتی از ملائکه مگر آنکه میگویند که چه روح خبیث ست
پس میگویند فلان بن فلان ست به بدترین نامهای او که در دنیا بود تا که بسوی آسمان میبرند
پس کشاده نشود برای او دروازهٔ آسمان و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این آیت خواند لا تفتح
لهم ابواب السماء پس او را انداخته شود از آنجا انداختنی و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیت خواند
فکانما خر من السماء فتخطفه الطیر او تهوی به الریح فی مکان سحیق پس باز گردانیده شود روح
او در بدن او و بیایند او را دو فرشته پس بنشانند او را و بگویند از و بهر سه سوال گذشته و او هر بار
بگوید ها ها نمیدانم پس آواز کند آواز کننده از آسمان که دروغ گفته این بنده من پس فرش کنید
برای او از آتش و بپوشانید او را از آتش و بگشایید برای او دری بسوی دوزخ پس آمده
باشد او را گرمی و باد زهر آلوده دوزخ و تنگ شود بر وی قبر تا که بایکدیگر شوند استخوان سینهٔ او
و بیاید او را مردی بد رو بد پارچه بد بو پس بگوید بشارت باد ترا بخیری ناخوش کند ترا این روز راست
که وعده کرده شدند بودی تو پس بگوید تو کیستی که روی تو بدی و ناخوشی می آرد پس گوید که من اعمال
بد توام پس بگوید ای پروردگار قیامت قائم مکن و ابو یعلی و ابن ابی الدنیا از تمیم داری از
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی ملک الموت را بفرماید که برو

بسوی دوست من او را بیار بر من پس بدرستی که من او را امتحان کردم بخوشی و ناخوشی پس
یافتم او را دوست تر پس بیار او را تا راحت کنم او را از رنجها و غمهای دنیا پس آید ملک الموت با پانصد
فرشته با آنها کفنها و خوشبو از بهشت باشد و با آنها باشد دستمالها از ریحان بیخ ریحانه یکی باشد و بر
سر ش بهشت رنگ باشد هر رنگ را بوئی علیحده و با آنها حریر سفید باشد و ران مشک اذفر و نشیند
ملک الموت نزد سر او و گرداگرد او شوند ملائکه هر فرشته دست خود بر عضوی از اعضای او نهد و
بگستراند آن حریر و مشک بر زقوم او و کشاده شود برای او دری بسوی بهشت و رغبت داده
شود او را تحفه های بهشت گاهی باز و اج و گاهی بپوشاک و گاهی بمیوها چنانچه طفلان را چون گریند
بچیزهای خوش مشغول میسازند و از و اج او یعنی در بهشت اشتیاق کنند او را و جهندگی و جلدی کند
روح او و ملک الموت بگوید برآی ای روح پاک بسوی سدر مخضود یعنی کنار بیخار و طلح منضود یعنی درخت
بافته از برگ که شاخ از کثرت برگ دیده نشود و ظل ممدود یعنی سایه دراز و ماء مسکوب یعنی آبهای
روان فرمود آنحضرت که ملک الموت با نهایت لطفها کند چنانچه والده با ولد کند از بهر آنکه میداند که این
روح محبوب ست نزد خدا و کریم ست نزد وی از لطف کردن با آن روح ملک الموت رضای خدا از خود
میخواهد پس بکشد روح او را چنانچه موی از خمیر کشیده شود و چون روح برآید ملائکه گرداگرد او بگویند سلام
علیکم طبتم فادخلوا الجنة بما کنتم تعملون یعنی پاکی ست شما را داخل بهشت شوید با عمال خود پس چون
ملک الموت روح را قبض کند روح مرحبا را بگوید حق تعالی ترا جزای خیر دهد بهر بوی تو من جلد بسوی
فرمانبرداری خدا و دور از معصیت او پس گوارا باد ترا که نجات یافتی و نجات داد وی مرا و جسد روح
همچنین گوید و بقعهای زمین که آنجا عبادت میکرد بر وی گریه کنند و درهای آسمان که از آن
عمل او بالا میرفت و رزق او از آنجا فرود می آید تا چهل روز بر وی گریه کنند و بعد قبض روح
آن پانصد فرشته نزد جسد او باشند هر گاه بنی آدم آن مرده را از پهلو به پهلو کنند آن فرشتگان او را
پیشتر از آن از پهلو به پهلو گردانند و کفن او را حنوط رسانند پیشتر از آن که آو میان رسانند و
ایستاده شوند از دروازهٔ او تا قبر در و صف از ملائکه استقبال کنند برای او و با استغفار آنزمان
ابلیس آوازه کند بقسمی که لشکر خود را از بعضی استخوان جسد او و بگوید لشکر خود را اهلاکی ست
شما را چگونه خلاص شد این بنده از شما پس بگویند که این مرد معصوم بود یعنی خدا او را نگاه داشته

پس وقتیکه روح او را بسوی آسمان برند استقبال کنند او را جبرئیل علیه السلام در هفتاد هزار ملائکه
هر یک ازان او را بشارت دهند از پروردگار او پس چون ملک الموت او را بعرش رساند آن
روح بسجده رود برای پروردگار او پس بفرماید حق تعالی ملک الموت را که ببر بنده مرا پس ببر او
او را فی سدر مخضود و طلح منضود و ظل ممدود و ماء مسکوب پس وقتیکه نهاده شود آن مرده
در قبر پس آید نماز باشد بر یمین او و روزه بر یسار او و قرآن و ذکر نزد سر او و زکوة او برای نماز
نزد هر دو پای او و صبر نزدیک گوشه قبر او و بفرستد الله تعالی کروبی از عذاب یعنی بسبب بعضی
معاصی که از و صادر شده باشد پس آید او را از جانب یمین پس او را نماز گوید دفع کرده است
ترا این بنده قسم بخدا که این بنده رنج کشیده است تمام عمر راحت نیافته است مگر حالا که در قبر نهاده
شده پس از جانب چپ آید روزه همچنین گوید پس از جانب سر آید همچنین گفته شود پس از
هیچ جانب عذاب بسوی او راه نیابد و صبر دیگر اعمال را بگوید که من بذات خود مانع نشدم
از آنجا که شما کفایت کردید اگر شما عاجز میشدید من یاری او میکردم حالا من ذخیره او هستم نزد صراط
و میزان و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و بفرستد حق تعالی دو فرشته که بصر آنها مانند
برق رباینده باشد و آوازه شان مثل رعد و دندانهای شان مثل شاخ گاو و دم آنها مانند شعله
آتش درمیان هر دو شانه او چندین بعد و مسافت باشد از دل آنها حق تعالی رحمت دور کرده
مگر بر مسلمان نام یکی منکر و نام دیگری نکیر در دست هر یک از انها گرزی باشد از آهن که اگر جن
و انس جمع شوند آنرا حرکت نتوانند داد پس بگوید او را بنشین پس بنشیند در قبر خود و فرو رفته
کفن او پس بگویند کیست پروردگار تو و چیست دین تو کیست نبی تو گوید پروردگار من الله
است وحده لاشریک له و دین من اسلام است و نبی من محمد ست علیه الصلوٰة والسلام
خاتم النبیین پس بگویند راست گفتی پس قبر او را از هر سو فراخ کنند و بگویند که ببین
بالای خود پس بیند بهشت را و گویند این خانه تست ای ولی خدا بسبب فرمان برداری حق تعالی را
فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پس قسم بکسی که جان من در دست اوست که در دل آمرزده
بقسمی فرحت رسد که گاهی دور نشود پس بگویند که ببین زیر خود پس دوزخ را بیند و بگویند ای
ولی خدا نجات یافتی ازین فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که قسم بکسی که جان من در دست اوست

او را بسی فرحت بدل رسد که گاهی دور نشود و گشاده شود برای او هفتاد و هفت در بسوی
جنت که آمده باشد او را از انجا خوشبو و راحت تا که برخیزاند او را حق تعالی از قبر او و گوید حق تعالی
ملک الموت را که برو بسوی دشمن من پس بیار او را پس بدرستی که من فراخ کردم رزق او و راحت
او به نعمت خود پس نکرد بجز نافرمانی من پس بیار او را تا انتقام گیرم از او پس رود ملک الموت
در بدترین صورت که ندیده باشد کسی از مردم گاهی باشد او را دوازده چشم و با او سیخی باشد
از آتش بسیار خاردار و با او پالصد فرشته باشند با او نیزها و در آتش باشد و پرکالها از آتش
دوزخ و با آنها تازیانه ها باشد از آتش افروخته پس بزند او را ملک الموت بدان سیخ به بخی غلاب
شود و هر خار از ان سیخ خار دارد و هر سوراخ هر رگ او گفت لیتر بکشد آن را به بخی پس بکشد روح
او را از ناخن های پای او پس بیندازد آن را در پاشنه های او پس بیهوش شود و عدو الله و بزنند
فرشتگان روی و پشت او را بآن تازیانه ها بیشتر همچنین تا بشند روح تا بیندازد او را در پستر تا سینه او
هم چنین تا حلق و گسترانند ملائکه آن دخان سوزان و آتش دوزخ زیر دقن او و گوید ملک الموت
بر آن نفس خبیث لعین ملعون بسوی سموم یعنی باد زهر آلوده و حمیم یعنی آب کمال سوزان
وظل من یحموم لا بارد ولا کریم و سایه از دخان نهایت سیاه نه سرد و نه بفید و چون قبض کند
ملک الموت روح را روح گوید جسد را و جسد گوید روح را خزاید خدا ترا بد بودی تو جلد بسوی
معصیت و درنگ و طاعت پس هلاک شدی تو و هلاک کردی مرا و لعنت کند او را لقمه های
زمین که بران گناه میگردد و لشکر ابلیس خوشنخبر دهد ابلیس را که دار کردیم یکی از بنی آدم را در دوزخ پس
چون نهاده شود در قبر تنگ شود بروی چنان تا که همدیگر شوند استخوان سینه او و بفرستد حق تعالی
مارهای سیاه را پس بگزد او را تا انگشت های پای پس بخورد او را تا که برسد در کمر او و بفرستد
حق تعالی بسوی وی منکر و نکیر را و بپرسند از پروردگار دین و نبی او و گوید او نمیدانم پس گفته
شود او را ندانستی و نپیروی کردی پس بزنند او را بقسمی که بیفتد شراره های آتش در قبر او
باز درست شود و گویند بمین بالا تو پس بنید بهشت را و گویند ای دشمن خدا اگر فرمان بردار
خدا میکردی این از تو نمیشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم پس قسم بکسی که جان من در
دست اوست که رسد او را حسرتی که دوست دارد او گاهی گشاده شود برای او دروازه .

بسوی دوزخ دگفته شود اینست خانه تو بسبب نافرمانی خدا و کشاده شود برای او هفت در
و هفت در بسوی دوزخ تا آید او را گرمی و باد زهرآلود و آن تا که بر وارد او را حق تعالی روز قیامت
بسوی دوزخ آنچه درین حدیث آمده که ملک الموت نعمتهای بهشت نموده بنده مومن را غیبت
میدهد و مثل طفلان او را خوش میسازد و بعضی دوستان خدا بآن نعمت ها سفر فرود نمی آرند و دیدار حق
میخواهند نقل ست که شیخ سعراوی رحمة الله علیه وقت مرگ چون نعمت های بهشت دید برآشفت
و گفت شعر انکان منزلتی فی الحب عندکم * ما قد رأیت فقد ضیعت ایامی * یعنی اگر هست
مرتبه من در محبت نزد شما آنچه من دیدم پس بد رستی که من عمر خود را ضائع کردم حق تعالی ندا داد
من موجودم پس چه میخواهی گفت شعر ارید وقد طال الذی منک نظرة * وکم من مرید دون مرآی
بغیتی * یعنی میخواهم و بدرستی که دراز شده است مدت خواهش از تو دیداری و بسیار خواهها
نزد این آرزو رنجیده شده از زمان حق بروی تجلی فرمود و آن بزرگ جان بحق بتسلیم نمود همچنین شاه
شرف الدین ابو علی قلندر صاحب پانی پتی رحمة الله گفته شعر گر بیاید ملک الموت که جانم ببرد *
تا نبینم رخ تو روح میدهم نمیدهم * لیکن از کلام حضرت الشان ماقیوم ربانی مجدد الف ثانی
رضی الله عنه چنان مستفاد میشود که این چنین خواهش و کلمات گفتن و نعمای بهشت را بخاطر
نیاوردن از بقایای سکر ست اصحاب صحو آنچه نعمتهای بهشت ست و غیره نعمای که دلیل
مرضیات حق ست آنرا بسر و چشم از کمال ادب می نهند و میدانند که دیدار خدا درین نشاه
متصور نیست موعود بر جنت ست آنجا جسد و بصر را حق تعالی قوتی دیگر خواهد داد که طاقت برداشت
رویت خواهد داشت موسی علیه السلام پیغمبر اولی العزم طاقت رویت نداشت و مخاطب لن ترانی
شد و خر موسی صعقا آنجا اگر هست رویت قلبی ست نه رویت بصری و رویت قلبی بعالم مثال تعلق دارد
چنانچه حضرت قلندر میفرمایند شعر غیرت از چشم بر م روی تو دیدن ندهم * گوش را نیز حدیث
تو شنیدن ندهم * یعنی اینجا آنچه هست بچشم دل و گوش دل ست نه بچشم و گوش سر و الله
اعلم آنچه دیگران را یعنی تجلی رویت قلبی کالبرق ست این حضرات را دائمی ست دیگر باید دانست
که در قرآن و حدیث احوال مومنان کامل و احوال کافران و منافقان مذکور ست و احوال مومنان
فاسق متوسطان کمتر مذکور ست بمقایسه دریافت میشود و بدو جهت یکی آنکه در وقت رسول الله

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم صحابہ ہمہ مومنان کامل بودند یا کفار یا منافق بودند دوم آنکہ احوال متوسطان
بسیار مختلف ست نظر بر کثرت جرائم و قلت آن و قوت ایمان و ضعف آن و دیگر باید دانست فصل
در حق شہید طبرانی و عبد بن حمید بسند ثقات روایت کردہ از عبد اللہ بن عمر کہ گفتہ و قتیکہ بندہ
در راہ حق تعالی قتل کردہ شود اول قطرۂ خون او کہ بر زمین افتد گناہان او بخشیدہ شود و پس پارچہ
از بہشت آید و نفس او وران کردہ شود و او را جامہ از بہشت آیدوران مرکب کردہ شود روح او با ملائکہ بسوی
آسمان و در با ملائکہ باشد گویا کہ از اول خلقت با فرشتگان بود تا کہ او را بحضور رحمن حاضر سازند پس سجدہ کنند
پیش از ملائکہ و ملائکہ بعد ازان بسجدہ روند پس حکم شود کہ با شہدا کردہ شود پس آنہا باشند در چمن ہائے
سبز و قبہ ہای حریر نزد شان گاؤ بلشند و ماہی باشد ماہی بخورد از نوع خوشبو از انہار بہشت و چون
شام شود گاؤ ان ماہی را شکم مدبر بشاخ خود و پاک کند آنرا پس بخورند شہیدان گوشت ماہیے
و یا بند در گوشت او ہر بوی خوش از انہار بہشت و شبانگاہ گاو چریدہ باشد در بہشت از میوہ ہا
پس چون صبح شود ماہی بروی آید و ذبح کند او را بدم خود پس بخورند شہیدان از گوشت او و یابند
از و لذت ہر میوہ بہشت و بینند شہیدان خانہ ہائے خود در بہشت در خواست کنند از حق تعالی
بقیام قیامت و دیگر قصہ قبض روح و احوال قبر مومن و کافر مثل حدیث گذشتہ درین حدیث
ہم آمدہ و از کعب احبار در تفسیر قولہ تعالی ان کتاب الابرار لفی علیین ابن مبارک روایت کردہ کہ
کہ روح مومن چون بعرش میرسد برآوردہ میشود برای او از زیر عرش تا قائم پس مہر کردہ شود و
نوشتہ شود و نہادہ شود زیر عرش برای نجات او روز حساب قیامت علیین عبارت از زیر
عرش ست و در قولہ تعالی ان کتاب الفجار لفی سجین گفتہ کہ روح کافر چون بسوی آسمان برد
شود آسمان آن را قبول نکند انداختہ شود بسوی زمین زمین او را ہم قبول نکند پس انداختہ شود
زیر ہفت زمین رسانیدہ شود تا سجین پس برآوردہ شود برای او از انجا رقیمہ پس مہر کردہ شود
بران و نہادہ شود زیر حد ابلیس کہ حد جای ابلیس ست برای حساب صاحب قاموس گفتہ
سجین وادی ست در جہنم یا سنگی ست زیر زمین ہفتم و ابن ابی شیبہ از ابی ہریرہ روایت
کردہ کہ قبض روح مسلمان کردہ نمیشود تا کہ می بیند بشر می یعنی شبہ و بعد موت آن مردہ آواز
کند قنبر کہ در خانہ از صغیر و کبیر جاندار ہر کہ باشد آواز او شنود و گر جن و انس نگوید جلد رسانیدہ را

یارحم الراحمین پس چون بر جنازه نهاده شود بگوید چه قدر دیر میرویدپس چون لحد داخل کرده شود
نشانیده شود و جائی در بهشت بینند بگوید ای پروردگار داخل کن مرا در آن حکم شود هنوز وقت
آن نرسیده است بدرستی ترا دیگر برادران و خواهران اند هنوز نیامده اند لیکن خواب کن خوش و
خرم گفت ابو هریره پس قسم بخدا که بخواهد انگس خوابی کوتاه تر و شیرین تر که میکپس آن قسم خفته باشد
تا که بر دارد سر خود را البسوی بهشت روز قیامت حضرت قلندر میگوید شعر گر بشبی دست دهد
وصل تو از غایت شوق ۱۲ تا قیامت نشود صبح دمیدن ندهم ۱۲ و ابن مردویه و ابن مندره از
ابن عباس روایت کرده در حدیث طویل در حال مومن که در های آسمان برای او گشاده شود و رحمته
نفرستند بر فرشته در هر آسمان تا که رسد بملک جبار و بگوید جبار تعالی مرحبا بروح پاک و جسدی که از و
برآمده و بفرماید که او را در بهشت داخل کرده خانه او نمایند پس او البسوی زمین برگردند پس فرود آیند
او را در مقدار زمانی که مردم از غسل و کفن او فارغ شوند و داخل کنند آن روح را در جسد و کفن او ۱۲
و طبرانی از میمونه بنت سعد روایت کرده که گفته شد یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم جنب خواب
کند فرمود دوست میدارم که خواب کند تا که وضو نکند می ترسم که بمیرد و جبرئیل بروی حاضر نشود ابن
ابی شیبه و ابن ابی الدنیا و غیره از زید بن ثابت صحابی روایت کرده که نمی میرد کسی مگر آنکه نموده میشوند
او را صورت منازل او اگر از اهل بهشت صورت اهل بهشت و اگر از اهل دوزخ صورت اهل دوزخ
ذکر و ابن ماجه از ابی موسی روایت کرده که پرسیدم از آنحضرت که شناسائی بنده از مردم کی منقطع
میشود فرمود وقتیکه می بیند یعنی ملک الموت و ملائکه را در صحیحین از عباده بن الصامت رضی الله عنه
مرویست که نبی صلی الله علیه و آله وسلم فرموده که هر که ملاقات خدا دوست دارد خدا ملاقات او
دوست دارد و هر که ملاقات خدا مکروه دارد خدا ملاقات او مکروه دارد عائشه رض گفت که یا مردن
را مکروه میداریم فرمود مراد من این نیست لیکن مسلمان را وقت حضور موت خوشخبری داده میشود
برضامندی خدا و گرامی داشتن او پس نباشد او را چیزی محبوب تر از انچه پیش آید او را یعنی موت و
خدا دوست دارد ملاقات او را و چون کافر را مردن پیش آید خبر داده شود بغضب
خدا پس هیچ چیز او را مکروه تر نباشد از ملاقات خدا پس مکروه داند حق تعالی ملاقات او را و ابن جریر
و ابن المنذر از ابن جریج روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود ای عائشه وقتیکه

بینید مسلمان ملائکه را گویند او را ملائکه ترا باز گردانیم بسوی دنیا گوید که مرا بخانه غم و حزن نفرستید
مرا بسوی خدا برید و کافر نگوید ای پروردگار مرا باز بسوی دنیا نفرست کاشکی عمل صالح کنم در
آنچه ترک کردم و ابو نعیم از سلمان فارسی از آنحضرت روایت کرده که او را مسلمان را در قبر او خوش
خبر داده شود و بر ضا مندی خدا و بهشت و گفته شود و خوش آمدی حق تعالی بخشیده کسانی را که
همراه جنازه تو تا قبر تو مشایعت کرده و ابو نعیم از مجاهد روایت کرده که مسلمان را خوش خبر
داده شود به صالح بودن فرزندان و بعد او برای سروری چشم او و احمد و ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر
از آنحضرت روایت کرده که فرمود حق تعالی قبول میکند توبه بنده تا که جان او قریب بمرگ رسد

فصل روح میت مومن با دیگر ارواح مومنان ملاقات میکند چنانچه طبرانی در اوسط
از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
که روح مسلمان وقتیکه قبض کرده میشود ملاقات میکنند با وی اهل رحمت از بندگان خدا
چنانچه در دنیا از کسی که می آید ملاقات میکنند و باهم میگویند که فرصت دهید یا خود را تا که آرام
گیرد بدرستی که او در کمال رنج و شدت بود پس از او پرسند که چه میکند فلان و فلان پس وقتیکه
بگوید که او پیش از من مرده است پس آنها افسوس کنند و انا لله و انا الیه راجعون گویند و
گویند او را برده شد بسوی هاویه یعنی دوزخ و فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که اعمال شما کفته
میشود با قربا و قبیله شما را که پیشتر مرده اند یعنی آنکه اهل خیر اند پس اگر عمل نیک می باشند
خوش میشوند و میگویند که الهی این فضل تست پس تمام کن نعمت خود را بروی و موت ده
او را بر همچنین اعمال و اگر عمل بد می باشد میگویند که الهی او را توفیق عمل نیک ده تا تو از
وی راضی شوی بدان و قریب کند او را بسوی تو و در ملاقات کردن مردگان که پیشتر مرده
اند و خوش شدن آنها بملاقات مرده حال و استقبال کردن پسر که پیشتر مرده باشد پدر را
چنانچه غائب را استقبال میکنند در احادیث دیگر هم آمده **فصل** احمد و طبرانی از ابی سعید
خدری روایت کرده که نبی صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که میت می شناسد کسی را که او را
غسل میدهد و می بردارد و کفن میدهد و در قبر فرود می آرد او را و ابن ابی الدنیا از بکر بن عبد الله
مزنی آورده که مرا رسیده یعنی از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم که آنچه نزد میت میشود میت

آنرا سیداند اگر قدرت بر کلام سید اشت منع می کرد از نوحه و مانند آن و ابو الشیخ از انحضرت م
روایت کرده که زنی در مسجد جاروب می کرد و مرد و آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم را اعلم نشد
پس گذشت آن حضرت بر قبر وی و بر قبرش نماز جنازه خواند پس صاحبه قبر را خطاب کرد و
فرمود که کدام عمل بهتر یافتی مردم گفتند یا رسول الله این می شنود و فرمود نیستید شما شنوا تر از وی
پس فرمود که این زن جواب داده که جاروب کشی مسجد بهتر یافتم و در صحیحین ست از ابی سعید
خدری که آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که چون جنازه میت را می برند اگر صالح
میباشد میگوید پیش برید مرا و اگر غیر صالح میباشد میگوید کجا می برید مرا سوای آدمیان هر چیز
آواز او می شنود و ابن ابی الدنیا از عمر بن خطاب رض از انحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت
میکند که میت بر جنازه میگوید ای برادران برادرانه نعش فریب ندهد شما را حیات دنیا و مانند
نکند با شما زمانه چنانچه با من کرده انچه گذاشتم برای وارثان ست و جزا دهنده روز قیامت
با من خصومت و محاسبه خواهد کرد و شما همراه من می آیید و گذاشته خواهید رفت **فصل**
ابن عساکر از ابن مسعود از انحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که داؤد علیه السلام گفته
الهی چیست جزای انکه پیروی جنازه کند تا گور برای طلب رضای تو فرمود حق تعالی جزای
او انست که فرشتگان من متابعت او خواهند کرد در وقت موت او و رحمت خواهم کرد بر روح او
در ارواح **فصل** ابن ابی حاتم از علی ابن ابی طالب روایت کرده که چون مسلمان می میرد
نمازگاه او از زمین و جای بالا رفتن عمل او از آسمان بروی میگرید و از ابن عباس مروی ست
که زمین تا چهل روز بروی می گرید و شواهد این از سلف بسیار مرویست **فصل** طبرانی
از ابن عمر روایت کرده که حبشی در مدینه مرد و دفن کرده شد انحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
فرمود و دفن کرده شد در طیبه که از انجا پیدا شده بود و این چنین از ابی سعید و ابی الدرداء
مروی ست و ابو نعیم از ابی هریره آورده که انحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که نیست
هیچ مولود مگر انکه ریخته شده ست بروی از خاک قبر او یعنی بر نطفه و حکیم در نوادر الاصول
از ابن مسعود روایت کرده که فرشته موکل ست بر رحم میگیرد نطفه از رحم و می نهد بر کف خود
و میگوید ای پروردگار مخلقه باشد یعنی آدم از و پیدا شود یا غیر مخلقه اگر مخلقه باشد گوید ای

1418

پروردگار چیست رزق او چیست جای اقدام او چیست اجل او چیست عمل او حکم شود به بین
در لوح محفوظ از انجا در یافت کند و بگیرد خاک از زمینی که در ان دفن کرده شود و خمیر کنند بدان
آن نطفه را این بست قوله تعالی منها خلقناکم الآیه **فصل در منفعت دفن در همسایه صلحا**
ابو نعیم از ابی سریره از ان حضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرمود دفن کنید مردهٔ
خود را در میان قوم صالحان بد رستی میت اند میکشد از همسایه بد چنانچه زنده اند میکشد و
ابن عساکر از علی ابن مسعود هم چنین روایت کرده و ابن عساکر از ابن عباس از ان حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که وقتیکه بمیرد یکی از شما نیک کنید کفن او و جلدی
کنید و لحاز وصیت او عمیق کنید قبر او و دوری خواهید از همسایه بد گفته شد یا رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم همسایه صالح نفع می کند فرمود آری و دیلمی از ام سلمه هم چنین روایت
کرده ابن ابی الدنیا از عبد الله بن نافع مزنی روایت کرده مردی در مدینه مرد و دفن کرده شد
انجا پس کسی او را دید که از اهل دوزخ ست و غم خورد بروی بعد هفت هشت روز دید که آواز
اهل بهشت ست از و پرسید گفت که دفن کرده شد با من مردی صالح پس شفاعت کرد
در چهل کس از همسایه خود من هم در ان بودم این مندہ از ابن عمر روایت کرده از نبی صلی الله علیه
وآله وسلم که چون مسلمان می میرد هر بقعه زمین تجمل میکند و آرزوی میکند که در انجا دفن شود و
چون کافر می میرد مقابر ظلمانی می شود و هر بقعه پناه می جوید از خدا که در انجا دفن شود

باب در انچه بر مرده خوانده شود از ادعیه و تلقین میت

طبرانی و بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که جلد سوی
قبر او رسانید و وقت دفن در قبر او نزد سر او فاتحه و نزد پای او خاتمه سوره بقر خوانید
و در روایتی آمده که نزد سر او آیات اول و آخر سورهٔ بقر خوانند و در روایتی آمده که بگوید اللهم
اجره من الشیطان و من عذاب القبر و بزار از علی روایت کرده که بگوید بسم الله و فی
سبیل الله و علی ملة رسول الله اللهم عبدک نزل بک و انت خیر منزول به خلف الدنیا خلف
ظهره فاجعل ما قدم علیه خیرا مما خلف فانک قلت و ما عند الله خیر للابرار و ابن ابی شیبه

از انس روایت کرده اللهم جاف الارض عن جنبیه و افتح ابواب السماء لروحه و بدله دارا خیرا
من داره و زوجا خیرا من زوجه آورده اللهم افسح له فی قبره و نور له فیه و الحقه بنبیه صلی الله علیه و آله و سلم حاصل
او عیه آنکه الهی این بنده را از شیطان و عذاب قبر پناه و قبر او را فراخ کن و منور کن و درهای آسمان
برای روح او بگشا و خانه آخرت او بهتر از خانه دنیا کن و او را به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ملحق کن
این چنین دعا در حق میت کند و از جناب حق طلب مغفرت او نماید و طبرانی از ابی امامه
از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که چون خاک بر قبر انباشته شود باید که شخصی
بر سر قبر بایستد و بگوید ای فلان بن فلانه اگر نام مادرش نداند بگوید ابن حوا مرده خواهد شنید
و جواب نخواهد داد باز گوید ای فلان بن فلانه بس خواهد نشست باز گوید یا فلان بن فلانه آنگاه
مرده خواهد گفت ارشادک الله رحمت کند ترا خدا پس بگوید یاد کن آنچه در دنیا بران بودی شهادت
ان لا اله الا الله وان محمدا عبده و رسوله و انک رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد نبیا
و بالقرآن اماما پس منکر و نکیر هر یک دست دیگری گرفته بگویند که برویم چه نشینیم نزد کسی که
او را حجت او تلقین کرده شد باب در ضغطهٔ قبر ضغطهٔ قبر یعنی تنگ گرفتن او چنان است
اکثر صالحان را هم میشود گو اندک باشد حتی که سعد بن معاذ رضی الله عنه که از کبار صحابه و نسابقین
اولین انصار است و عرش از وفات او حرکت کرد و هفتاد هزار فرشته جنازه او را مشایعت کردند
او را هم ساعتی ضغطه شده و در روایتی آمده که زینب و رقیه دختران رسول کریم صلی الله علیه و آله
وسلم را هم شده و سبب ضغطه بعضی زلتی باشد که کفارهٔ آن بضغطه شود و بیهقی از امیه بن عبد الله
روایت کرده که از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم سبب ضغطهٔ سعد بن معاذ رضی الله عنه پرسیده
شد فرمود که در تطهیر بول چیزی تقصیر میکرد و بیهقی و غیره از عائشه روایت کردند که گفت یا رسول
الله از روزیکه حدیث آواز منکر و نکیر و ضغطهٔ قبر فرمودهٔ مرا آرام نیست فرمود ای عائشه آواز
منکر و نکیر در گوش مسلمانان چنان باشد که اشهد در چشم و ضغطهٔ قبر بر مسلمان چنان باشد چنانچه
لب بر پیش مادر مشفقه شکایت صداع میکند او سر او را در دست میگیرد و فشاری می دهد
بعضی علما گفته که عقوبت گناه مسلمان بده چیز دور میشود یکی آنکه توبه کند دوم آنکه از خدا
طلب مغفرت نماید سوم آنکه از عمل صالح گناه او دور میشود چهارم آنکه در دنیا او را مصیبتی رسد

پنجم آنکه در قبر ضغطه نشود ششم آنکه دیگر مسلمانان برای او دعای مغفرت کنند هفتم آنکه مسلمانان ثواب اعمال صالحه بخشند هشتم آنکه در روز قیامت سختی کشد نهم آنکه شفاعت نبی صلی الله علیه و آله وسلم دستگیری فرماید دهم آنکه رحمت ارحم الراحمین شامل حال او شود ابو نعیم در حلیه از عبد الله بن شخیر روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر که در مرض موت قل هو الله احد خواند از فتنه قبر و ضغطه قبر محفوظ باشد تا آنکه روز قیامت او را بدستهای خود برداشته از صراط گذرانیده بجنت رساند

باب اعمال که بصورت انسان شده مصاحبت کنند در قبر

ابن ابی الدنیا عن عطا بن یسار وغیره روایت کرده که چون مرده را در قبر نهاده شود اعمال او حاضر شوند بصورت انسانی و بگوید من عمل توام گذاشتی ابلخانه واولاد و قبیله خود را و انچه خدا ترا داده بود پس پشت خود کسی با تو در قبر تو سوای من داخل نشده پس بگوید کاشکی ترا اختیار میکردم برایل و ولد وغیره و بر هر چه خدا مرا عطا کرده بود چون کسی با من نیامده سوای تو ✣ ✣

باب در کلام قبر و عذاب قبر

وترمذی حدیث حسن از ابی سعید روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود بشتابید کنید ذکر شکننده لذتها را که موت است بدرستی هیچ روز نمی آید که قبر در ان نمی گوید که من خانه تنهائی و غربت ام و خانه خاک و کرم و قتیکه دفن کرده میشود بنده مومن قبر او را مرحبا بگوید و میگوید که تو دوست ترین مردم بودی که بر من می رفتی پس چون والی کرده شدم من امروز بر تو می بینی انچه با تو سلوک میکنم پس فراخ شود قبر تا منتهای نگاه و کشاده شود در ی بسوی بهشت و چون کافر یا فاجر دفن کرده شود گوید قبر لا مرحبا ولا اهلا هر آینه مبغوض ترین مردم بودی که بر من میرفتی پس چون والی کرده شدم من امروز بر تو پس می بینی انچه بتو می کنم پس به پیچد بروی تا که جای یکدیگر نشوند استخوان سینه او فرمود رسول صلی الله علیه وآله وسلم پس مسلط کرده شود بروی هفتاد مار اگر یکی از انها دم زند در زمین نروید زمین چیزی تا که باقی ماند در دنیا پس بگزند و نیش زنند آن مار ها تا که حکم شود بسوی حساب فرمود رسول صلی الله علیه وآله وسلم

قبر چنین ست از چنهای بهشت یا خاریست از خارهای دوزخ و درین باب احادیث بسیار اند

باب در فتنهٔ قبر یعنی سوال منکر و نکیر احادیث بسیار وارد شده بتواتر رسیده چنانچه حدیث
براء بن عازب و تمیم داری بالا گذشته دیگر احادیث بعضی مختصر و بعضی مطول مروی ست و
ابن ماجه وغیره از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود وقتیکه
مرده را داخل قبر کرده میشود و او را آفتاب وقت غروب متمثل میشود و پس می نشیند چشمها مالیده
میگوید که بگذارید مرا که نماز گزارم و حکیم ترمذی از سعید بن مسیب روایت کرده که چون سوال
کرده میشود میت که من رب تو شیطان حاضر میشود و پس اشارت بسوی خود میکند که منم
پروردگار تو حکیم ترمذی گفته که قوله صلی الله علیه وآله وسلم اللهم اجره من الشیطان تا بیدین
قول میکند **فصل** و کیفیت سوال اختلاف روایات ست شاید که بعضی مرده را از بعض
اعتقادات سوال کرده میشود و بعضی از مجموع آن یا راوی در روایت بر بعضی اقتصار کرده
و در بعضی روایات ست که در یک مجلس سه بار سوال کرده خواهد شد و از طاؤس مرویست
که تا هفت روز سوال کرده شود **فائده** هر که دفن نکرده شده بر دار کشیده شد یا غرق شد
یا سوخته شد یا درنده او را خورد او هم از ضغطه و سوال و عذاب یا ثواب نی نصیب میشود قبر
عبارت از عالم برزخ است **فصل** ابن عبد البر گفته که سوال نخواهد شد مگر مؤمن را یا منافق
را که منسوب ست بدین اسلام بخلاف کافر مجاهر و قرطبی و ابن قیم میگویند که کافر را هم
باشد و سیوطی گفته که قول اول صواب ست **فائده** ابن تیمیه گفته که احادیث متواتره
دلالت دارند بر انکه روح بسوی بدن عود کرده میشود وقت سوال و بران دلالت دارند که
روح را دران وقت با بدن نوعی علاقه باشد اگرچه بدن متفرق شده یا سوخته شده و یک
طائفه گفته که بدن را بدون روح سوال کرده شود و جمهور انکار این قول میکنند و ابن حزم
وغیره میگویند که سوال از روح باشد بغیر بدن **فائده** بعضی محدثین گفته اند که ملائکه
سوال جماعت کثیر اند بعضی منکر نام دارند و بعضی نکیر پس بسوی هر مرده دو کس ازان میروند
فائده از شقیق بلخی مرویست که پنج چیز طلب کردیم در پنج چیز یافتیم ترک گناهان در زمان
ضحی و روشنی قبر در تهجد و جواب منکر و نکیر در قرأت قرآن و عبور از صراط در صوم و سایهٔ عرش

در حلوت فائده و اصبهانی از انس از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که هر که در حالت سکر بمیرد داخل قبر شود در سکر و در روایتی از وست که ملک الموت و منکر نکیر را در حالت سکر بیند فائده نزازی از علماء حنفیه گفته که چنانکه میت قرار گیرد آنجا سوال خواهد شد اگر در نده خورد در شکم او سوال شود و اگر در تابوت نهاده نقل کرده شود سوال نکرده شود و گر بعد دفن والله اعلم

باب کسی که سوال نشود و عذاب قبر نشود

کسی پرسید یا رسول الله چیست که شهید را در قبر فتنه نمیشود یعنی سوال نمیشود آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که کافی ست برق شمشیر بالای سرش از فتنه طبرانی از ابی ایوب از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده هر که در جنگ کفار ثابت قدم باشد تا که غالب شود یا کشته شود او را در قبر فتنه نباشد و در چند حدیث صحیح آمده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود مرابط فی سبیل الله یعنی کسی که بر دره آمدن کفار برای حفظ ملا و اسلام نشیند و آنجا بمیرد عمل او همیشه جاری ماند و ملائکه عمل رباط برای او همیشه می نوشته باشند و از فتنه قبر محفوظ باشد و در بعضی زیاده آمده که روز قیامت شهید برخیزد و ابن جریر در تفسیر از ابن مسعود روایت کرده که هر که هر شب سوره ملک خواند از فتنه قبر محفوظ باشد و هم چنین از کعب احبار از توریت روایت کرده و حدیث براء بن عازب از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم آورده که هر که الم سجده و سوره ملک بخواند از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد و احمد ترمذی و غیر هما از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که مسلمانی که شب جمعه یا روز جمعه بمیرد از فتنه قبر محفوظ باشد قرطبی گفته که چون شهید سوال نکرده شود پس صدیق که از و در قدر عالی ست بطریق اولی سوال نکرده شود و حکیم ترمذی بعدم سوال از صدیقان تصریح کرده و احادیث مرابط مقتضی هستند که حکم عدم سوال در هر شهید ست مخصوص نیست بمقتول در معرکه اقول کسیکه بعد نماز برای انتظار نماز دوم در مسجد نشسته باشد رسول کریم صلی الله علیه وآله وسلم در حق او فرموده فذالکم الرباط

وی هم سوال نکرده شود و ابو نعیم از جابر روایت کرد که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
هر که روز جمعه یا شب جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ باشد و در روز قیامت آید و بروی علامت شهدا
باشد و در روایتی آمده که از عذاب قبر و فتنهٔ قبر محفوظ باشد و ملاقات کند با خدا و بروی حساب
نباشد و در روز قیامت آید و باوی شهود باشند که شهادت دهند **باب در فضائل قبر**
و سهولت آن حاکم و غیره از عثمان رض روایت کرده که بر قبر ایستاد و بگریست تا که ریش او تر شد
و گفت که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که قبر اول منزل از منازل آخرت ست
هر که ازان نجات یافت بعده آسان تر ست ازوی و هر که دران نجات نیافت بعد ازوی
سخت تر ست ازوی و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که ندیده شده هیچ جای مخوف تر
مگر آنکه قبر ازوی شدید تر ست و ابن ماجه از براء بن عازب روایت کرده که آنحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم بر کنارهٔ قبر نشست و بگریست تا که زمین تر شد و فرمود که ای برادران من برای مثل
این جا تیاری کنید و ابن منده از ابن مسعود روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که مسافر را قبر فراخ کرده شود آنقدر که از اهل خود دور ست و احمد و نسائی و ابن ماجه
از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بمیرد و غیر مولد خود قیام
کرده از مولد او تا جای قدم او و جای او در بهشت باشد ابن منده از ابی هریره روایت کرده
ازان سرور صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که مسلمان در قبر خود در چمن سبز باشد فراخ کرده شود
قبر او هفتاد ذراع و روشن کرده باشد مانند ماه شب چهاردهم و ابن ابی الدنیا و وهب بن منبه
گفته که عیسی علیه السلام با حواریین بر قبری بود و ذکر کرده شد وحشت قبر و تنگی و تاریکی آنرا گفت
عیسی علیه السلام بودند شما در تنگ تر ازان در شکم های مادران خود پس وقتیکه خواست خدا فراخ
کردن فراخ کرد و دیلمی از ابن عباس رض روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود رحیم تر بود ن حق تعالی به بنده خود وقتی باشد که بنده داخل قبر شود و مردم و اهل او ازو
متفرق شوند اقول الحمد لله که در تنهائی حق تعالی قرین و رحیم باشد **شعر** جهانی مختصر خواهم
که در وی + بمین جائی من و جائی تو باشد + **فصل** و دیلمی از علی رض از آنحضرت صلی الله علیه و
آله و سلم روایت کرده اول عمل آخرت قبور ست فرق نمیکند در شریف و رزیل

باب در ثواب مشایعت جنازه

ابن ابی الدنیا از جابر بن عبد الله انصاری صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که تحفه مسلمان آنست که بخشیده شود و کسی که برآید در جنازه او و همچنین بروایت کرد ابن ابی الدنیا و بزار و بیهقی از ابن عباس از آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم و در زیاده ابو الشیخ از سلمان فارسی و حاکم و بیهقی و دیلمی از ابی هریره و حکیم ترمذی از انس روایت کرده

باب اسباب نورانیت قبر و تاریکی قبر

مسلم از ابی هریره روایت کرد که این قبور پر هستند از تاریکی حق تعالی آنرا روشن می کند بصلوة من بروی تحمل که مراد آن باشد که هر که بر من درود فرستد من بروی درود فرستم قبر او روشن شود و دیلمی از انس روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود خندیدن در مسجد تاریکی باشد در قبر و ابن ابی الدنیا از سری بن مخلد روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ابو ذر را فرمود که اگر اراده سفر کنی البته سامان سفر مهیا سازی پس چگونه باشد سفر راه قیامت ایا آگاه نسازم ترا بدانچه نفع کند ترا از روز گفت آری بفرمای فدایت پدر و مادر من فرمود روزه گرما روزه داشتن برای روز قیامت مفید ست و در تاریکی شب دو رکعت گذاردن برای وحشت قبر و ابو نعیم از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرد که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر که صد بار هر روز گوید لا اله الا الله الملک الحق المبین کان له امانا من الفقر یعنی باشد او را امن از فقر و انس در قبر و کشاده شود برای او درهای بهشت و دیلمی از ابن عباس روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود و قتیکه عالم بمیرد حق تعالی علم او را صورت دهد که در قبر مونس او باشد تا روز قیامت و دفع کند از وی هوام ارض را و احمد و ابن عبد البر از کعب احبار روایت کرد که حق تعالی وحی کرد بسوی موسی علیه السلام که علم دین بگیر و مردم را بیاموز که من منور کنم علم دهنده و علم گیرنده را قبور شان تا که وحشت نیابند از جایی خود و ابو الشیخ و ابن ابی الدنیا از امام جعفر صادق از پدر از جد او روایت کرده

که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که داخل نکرد هرمردی بر مسلمانی خری مگر آنکه بیاید میکند حق تعالی از ان خری فرشته که عبادت خدا و توحید کند او را و چون آن بنده در قبر شود آید آن سر و پس بگوید که مرا می شناسی پس گوید که تو کیستی گوید که من آن سرورم که داخل کردی تو بر فلان کس امروز من ترا انس میدهم از وحشت تو و می آموزم ترا حجت تو و ثابت کنم ترا بر قول ثابت یعنی بر جواب منکر و نکیر و حاضر شوم جاهای حضور در روز قیامت و شفاعت کنم برای تو و نمایم ترا جایتو از بهشت و ابن سنده از ابی کابل روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند بدان ای ابی کابل انکه بدرستی هر که باز وارد ایذا از مردم باشد حق بر خدا که باز دارد از وی ایذا در قبر و ابو الفضل طوسی از عمر رضی الله عنه از آنحضرت روایت کرده که هر که روشنی کند مساجد خدا روشنی کند خدا در قبر او و هر که خوشبو کند در مسجد داخل کند تعالی در قبر او خوشبو و خوشی بهشت

باب در حساب قبر

حکیم ترمذی از حذیفه روایت کرده که گفت که در قبر حساب خواهد شد هم در آخرت حساب خواهد شد هر که در قبر حساب کرده شد نجات یافت و هر که روز قیامت حساب کرده شد عذاب کرده شد و احمد از عائشه رض روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند حساب نکرده خواهد شد روز قیامت کسی پس بخشیده شود او را بیند مسلمان عمل خود در قبر و ابن عساکر در تاریخ روایت کرده که گفت قسم بکسی که جان من در دست اوست نمیرد مردی و در دل او مقدار جبه باشد از دوستی کسیکه عثمان رض را قتل کرد مگر آنکه او تابع شود و دجال را وقتیکه در یابد او را و اگر او را در نیابد ایمان آرد بدو در قبر خود

باب در عذاب قبر

عذاب قبر حق ست رواه البخاری عن عائشه رضی الله تعالی عنها عنه صلی الله علیه وآله وسلم در ین باب احادیث بسیار وارد شده رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر رواه البخاری از ابی هریره فرموده مردگان چون در قبور عذاب کرده شوند

بهائم آزاری نشنوند و احمد و ابو یعلی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و
آله وسلم فرمودند که مسلط کرده خواهد شد بر کافر نود و نه اژدها که بگزند او را تا روز قیامت و در
حدیثی احمد از عائشه روایت کرده که فرستاده شود بر کافر دو مار یکی از جانب سر و دوم از جانب پای
بگزند او را تا روز قیامت و در صحیحین از ابن عباس مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
بر دو قبر گذشتند و فرمودند که این هر دو عذاب کرده میشوند و معذب نمیستند در کاری بزرگ
یکی از انها از بول تنزه یعنی احتیاط نمیکرد و دوم میرفت بنمیمه یعنی سخن کسی بدیگری میرساند تا در انها
ناخوشی پیش آید پس گرفت آنحضرت شاخی تر و آنرا دو پاره کرد و بر هر یک قبر یکی نهاد گفتند یا
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این کار چرا کردی فرمود تا شاید تخفیف شود از انها تا که
خشک نشوند و ابن ابی الدنیا و بیهقی از میمونه روایت کرد که گفت نبی صلی الله علیه وآله وسلم
اسی میمونه از عذاب قبر بپناه بخدا جو و بدرستی سخت عذاب قبر بسبب غیبت و بول می شود و در
دیگر چند حدیث آمده عذاب قبر بسبب غیبت و نمیمه و عدم احتیاط از بول بتیقن میشود و طحاوی
و ابو الشیخ الا ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
حکم شده برای یک بنده که او را در قبر چند دره زده شود پس آن سوال و دعا می کرد تا انکه یک دره ماند
پس پر شد قبر او از آتش پس هر گاه عذاب از وی مرتفع شد بهوش آمد و گفت که بر چه چیز مرا دره
زدید گفتند که تو نماز بی وضو گزارده بودی و بر مظلوم گذشته بودی و مردگاری مظلوم نکرده بودی
و در بعضی روایات ابن ابی شیبه وغیره آمده که او گفت برای چه مرا دره زدند من خود ورع و تقوی
داشتم و ابن ابی الدنیا از حسن از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که هر که کسی از اصحاب
من بدگوینده باشد حق تعالی مسلط کند بروی جانوری که قطع کند گوشت او را یا بدرو او را
تا روز قیامت و ابن عساکر از واثله بن اسقع روایت کرد که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
که اگر قدریه یا مرجئه مرده باشد پس اگر بعد از سه روز قبر او دیده شود و دیده شود روی گوشته از قبله و ابن
ابی الدنیا از ابی اسحق فزاری روایت کرده که مردی پیش او آمده گفت که من کفن دزدی میکردم
و میدیدم بعضی مردم را برگشته روی آنها از قبله ابو اسحق این قصه به اوزاعی نوشت او زاعی گفت
آن کسانند که مرتد بر خلاف مذهب اهل سنت و جماعت و عمر بن میمون از عمر بن عبد العزیز مروانی

روایت کرده که من بودم در کسانیکه ولید بن عبد الملک را دفن کردند پس دیدم که هر دو انگشت او تا گردن او بسته شده بودند پس عمر بن عبد العزیز پند گرفت یعنی توبه کرد از آنچه مروانیان در حق امیر المؤمنین علی می گفتند و ابن ابی الدنیا از فضل بن یونس روایت کرده که عمر بن عبد العزیز بن عبد الملک را پرسید که پدر ترا و برادر تو و ولید را که دفن کرده بود گفت فلان کس معتمد من گفت که مرا حدیث کرد فلان کس که چون من آنها را در قبر نهادم و رفتم تا گرد از کفن بکشایم دیدم دستی آنها را گسسته بود گشت

باب در انقطاع عذاب قبر

عذاب قبر از کفار منقطع میشود بعضی گفته اند که روز جمعه و ماه رمضان منقطع میشود و این قول مردود است از آیات و احادیث ابن قیم گفته که عذاب کفار و بعضی مسلمانان عاصی در قبر منقطع نشود و بعضی گناهگاران را بقدر گناه عذاب شود پس منقطع گردد و این قول و هم بدعا و شفاعت دیگر مسلمانان منقطع شود و بافعی گفته که روز جمعه و شب جمعه منقطع باشد نسفی گفته باز عود نکند یعنی عذاب تا یک جمعه شود اگر شود و لیکن حدیث بران دلالت دارد که زیاده از یک هفته هم عذاب باشد چنانچه در حدیث نهادن حضرت شاخ سبز بر دو قبر گذشته آنها از مدتی زیاده از یک هفته مدفون بودند ابو یعلی از انس و بیهقی از عکرمه بن خالد روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر که روز جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ باشد

باب کسی که در قبر معذب نشود

ترمذی و ابن ماجه و بیهقی از سلیمان بن صرد و خالد بن عمرو رضی الله عنهم روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند هر که از شکم مرد عذاب قبر نکرده شود یعنی از جریان شکم از ابن مسعود و ابن عباس و غیره بچند طرق مرویست که خواندن سوره ملک هر شب از عذاب قبر نجات میدهد در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سوره الملک را مانعه از عذاب قبر میگفتند و دارمی از خالد بن معدان روایت کرده که الم تنزیل السجدة از طرف صاحب خود در قبر مجادله خواهد کرد و خواهد گفت الهی اگر من از کتاب تو ام شفاعت من قبول کن و اگر نه مرا از کتاب خود دور

کن مانند پرنده مرده را زیر بازوهای خود گیرد و شفاعت کند و از عذاب قبر محفوظ دارد و همچنین
تبارک الملک دوارمی و ترمذی از جابر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می
فرمود حضرت
تا که سوره الم تنزیل و سورهٔ ملک نمیخواند اصبهانی در ترغیب از ابن عباس روایت کرده که
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر که شب جمعه بعد مغرب دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت
فاتحه یکبار و اذا زلزلت الارض پانزده بار خواند سکرات موت بروی آسان شود و از عذاب
قبر محفوظ باشد و گذر بر صراط روز قیامت آسان شود و رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر که
آیة الکرسی بعد هر نماز خواند هیچ چیز او را از درخول جنت مانع نباشد مگر موت این حدیث را
نسائی و ابن حبان و ابن مردویه و دارقطنی از ابی امامه و بیهقی از علی و از حدیث صلصال
بن الدلهس روایت کرده فصل طبرانی و اصبهانی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی
الله علیه وآله وسلم فرمود بر اهل لا اله الا الله وحشت نباشد نه وقت مرگ و نه در قبر و نه در
وقت بعث اقول این حدیث اگر بعموم گذاشته شود گفته شود که هر قدر که وحشت کفار را
باشد البته مسلمان را نباشد و نفی مطلق وحشت نتوان کرد بسبب تعارض دیگر احادیث
که بر عذاب قبر عصاة مؤمنین دلالت دارد و ظاهر آنست که مراد از اهل لا اله الا الله کسانند
که بفنا و بقا مشرف شده اند در ساحت سینهٔ شان غیر ذات پاک هیچ مقصود نمانده چرا که
عبادت عبارتست از کمال تذلل پیش معبود و شک نیست که هر چه مقصود کسی باشد آنکس برای
حصول مقصود خود کمال تذلل اختیار می کند پس هر چه مقصود اوست معبود اوست معنی
لا مقصود الا الله و لا معبود الا الله بیکجا میرسد و چون مقصود او جز ذات پاک چیزی نماند از
ربقهٔ ماسوی الله آزاد شد و از شرک خفی پاک گشت و او را در حالت حیات انس و صحبت با خدا
باشد نه با هیچکس پس او را خلوت در انجمن بهم رسد یعنی با وجودیکه در انبوه باشد باطنش مشغول
ست بخدا نه بکسی دیگر لا یؤمن احدکم حتی یکون الناس عنده کالاباعر یعنی ایمان کامل نمیشود
تا که مردم نزد او مثل پشک شتر باشند یعنی با هیچکس سروکار نداشته باشد پس این چنین کس که انبوه
او را مانع خلوت نیست اگر چگاهی انبوه موجب تشویش میشود او را در تنهائی بطریق اولی
انس ست پس او را در قبر از جدائی مردم چرا وحشت باشد بلکه زیاده تر لذت و انس باشد

رباعی آنکس که ترا شناخت جان را چه کند ✤ فرزند و عیال و خانمان را چه کند ـ
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی ✤ دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند ✤ همچنین کسان همیشه را هم صعب
نمیکنند مگر برای آنکه مرضی خداست و دوران دیدار خداست و ما مامور یم بطلب او چنانچه
مولوی روم می فرماید شعر چون طمع خواهد ز من سلطان این ✤ خاک بر فرق قناعت
بعد ازین ✤ اللهم ارزقنا حبک وحب من یحبک وحب عمل یقربنا الی حبک **باب دوم**
بیان آنکه انبیا و اولیا در قبور خود بنماز و ذکر خدا مشغول و متلذذ باشند در صحیح مسلم
از انس مرویست که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در شب معراج گذشت بقبر موسی علیه
السلام و او در قبر خود نماز میخواند و ابو یعلی از انس از انحضرت روایت کرده صلی الله علیه وآله
وسلم که انبیا زنده اند در قبور خود نماز می خوانند و ترمذی و حاکم و غیرهما از ابن عباس روایت
کرده که بعضی اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بر قبری خیمه زد و نمید انست که انجا
قبر است ناگاه انجا انسان بود سوره ملک خواند آن صحابی با نحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
خبر کرد انحضرت فرمود که این سوره مانعه است و نجات دهنده از عذاب قبر حافظ زین الدین
گفته که حق تعالی بعضی را از اهل برزخ کرامی میکند باعمال صالحه اگرچه از ان عمل او را ثواب نباشد
که عمل از موت منقطع شده لیکن عمل او برای آن است که تنعم و تلذذ کنند بذکر خدا چنانچه
ملائکه و اهل بهشت تنعم و تلذذ کنند بذکر خدا چه نفس ذکر از نعیم دنیا بهتر است اقول نفس الذکر
از نعیم جنت هم بهتر است پس قول او که ثواب نباشد بیجا است نمی بینی که عوام از سرود و
شعر لذت میگیرند و حظ می بردازان سبب که دران ذکر محبوبست خواص که محبوب
شان جز حق جل و علا نیست لذت و حظ ایشان از ذکر خداست لاغیر خلافی در حدیث ضعیف
روایت کرده از ابن عباس که مسلمان را مصحف داده میشود در قبر تا که بخواند **فصل** و ابن
ابی الدنیا از یزید رقاشی روایت کرده که مرا رسیده است که مسلمان اگر مرد در حالیکه بعض
قرآن نخوانده حق تعالی فرشتگان را فرستد تا که انچه از قرآن باقی مانده او را بیاموزند همچنین از
حسن و عطیه عوفی مرویست **فصل** ابن ابی شیبه در مصنف از ابن سیرین روایت کرده
که دوست میداشت که مرده را کفن نیکو داده شود و می گفت که مردگان باهم در کفن خود

ملاقات و زیارت همدیگر میکنند و همچنین ابن عدی از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
روایت کرده مرفوعاً و عقیلی و خطیب از انس و همچنین ترمذی و غیره از ابی قتاده و مراد از نیکو
کردن کفن آنست که از حلال باشد و موافق سنت باشد و سفید پاک و پاکیزه نه آنکه منش قیمتی
باشد ابو بکر صدیق چادر کهنه برای کفن خود داد و فرمود که برای پارچه نو زنده مستحق تر است

باب زیارات قبر

ابن ابی الدنیا از عائشه رضی روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند نیست مردی
که زیارت کند قبر برادر خود را و بنشیند آنجا و سلام گوید مگر آنکه مرده جواب سلام او میدهد و همچنین
بیهقی و غیره از ابی هریره روایت کرده مرفوعاً و موقوفاً در صحیح مسلم از ابی هریره مرویست که رسول
صلی الله علیه وآله وسلم بسوی مقبره برآمد السلام علیکم دار قوم مومنین و انا انشاء الله بکم
لاحقون گفته و از عائشه مثل آن و زیاده کرده یرحم الله المستقدمین منا والمستاخرین و نسائی
و ابن ماجه از بریده از آنحضرت همچنان روایت کرده و بعد لاحقون زیاده کرده انتم لنا فرط و نحن لکم
تبع اسال الله لنا و لکم العافیه و ترمذی از ابن عباس و طبرانی از علی بخوان و ابن ابی الدنیا
از ابی هریره روایت کرده که هر که داخل مقابر شود و برای آنها از خدا طلب مغفرت کند و برایشان
رحمت کند گویا که نماز جنازه آنها گزارده

باب در مقر ارواح

در جای قرار ارواح روایات مختلف آمده مالک و نسائی بسند صحیح از کعب بن مالک روایت کرده
که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که روح مسلمانان پرنده است معلق باشد در درخت
جنت تا که رجوع کند بسوی جسد او روز قیامت و احمد و طبرانی از امام هانی از آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم همچنین روایت کرده و همچنین ابن عساکر از ام بشر امرأة ابی معروف و ابن
ماجه و طبرانی در روایتی از ام بشر آورده که شنیدم از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که میفرمود روح
مومن پرنده است سیر میکند در بهشت هر جا که خواهد و روح کافر در سجین است و طبرانی و غیره

از حمزه بن حبیب از انحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که روح مومنان در پرنده سبز باشد سیر کنند
در بهشت هر جا که خواهد و ارواح کفار محبوس اند در سجین و در بعضی احادیث در حق شهدا آمده ارواح
شهدا در شکم پرنده سبز باشد که بچرد در نهرهای جنت هر جا که خواهد و جای گیرد در قندیلها زیر
عرش همچنین مسلم از ابن مسعود از انحضرت صلی الله علیه وآله وسلم آورده و ابو داود و حاکم
و غیرهما از ابن عباس از انحضرت صلی الله علیه وآله وسلم در حق شهدا احد آورده و تقی بن
مخلد از ابن سعید خدری از انحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نحوه و هناد بن سری از ابی سعید
نحوه و ابو الشیخ از انس روایت کرده که حق تعالی شهدا را در شکم پرندگان سفید در قندیلهای
معلق بعرش گرداند و ابن منده از ابن شهاب بلاغا گفته که ارواح شهدا مانند پرنده سبز معلق
بعرش باشند و ابن ابی حاتم از ابی الدرداء آورده که گفت ارواح شهدا پرنده سبز در قندیلها
معلق زیر عرش باشند سیر کنند در جنتهای بهشت هر جا خواهند و در صحیح بخاری از انس مروی
که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در حق حارثه بن سراقه که شهید شده گفته که او در فردوس
اعلی ست و این احادیث که در حق شهدا وارد شده دلالت ندارد بر انکه سوای شهدا کسی
دیگر باین مرتبه نباشد انبیا و صدیقین از شهدا افضل اند و احادیث متقدمه دلالت دارند
که ارواح مومنان در بهشت باشند و دران تخصیص شهدا نیست دیگر احادیث در حق اطفال
مسلمین وارد شده اند که در بهشت باشند احمد و حاکم و ابو داود و غیرهم از ابی هریره روایت
کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند که اولاد مومنین در کوهی باشند در بهشت پرورش
کند آنها را ابراهیم علیه السلام و سازه رد کند آنها را بسوی آبای شان روز قیامت و از خالد بن
معدان آمده که از سجره طوبی شیر خورند و سعید بن منصور از مکحول از انحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
مرسل روایت کرده که ذریت مومنان در عصفورهای سبز باشند در بهشت و ابن ابی شیبه و بیهقی
از ابن عباس از کعب روایت کرده که در بهشت در پرنده سبز ارواح شهدا باشد سیر کند در بهشت
و ارواح اطفال مسلمین در عصفورهای درخت باشد و ارواح آل فرعون در پرنده سیاه صبح
و شام پیش آورده شوند بر دوزخ و همچنین هناد بن سری از ابن لهیعه روایت کرده و چون اطفال
مسلمین که بسبب اصابت آبار و امهات به مسلمین ملحق اند و در بهشت باشند پس گبار مسلمین که بصلاح

وتقوی آرمیده باشند بطریق اولی در بهشت باشند ازین احادیث معلوم میشود که ارواح مومنین
در بهشت باشند و ارواح کفار در دوزخ لیکن چون در قرآن و حدیث غالبا ذکر مومنان و کافران
آمده مومنان کامل مراد ند وعصاة مومنین و در مقابله کفار مذکور نشده اند پس این احادیث
را بر مومنان کامل حمل باید کرد و آن چهار گروه اند النبیین و الصدیقین و الشهدا و الصالحین
مراد از صالحین اولیاء الله اند که قلوب شان از اشتغال باسوی الله پاک گشته صالح بتجلیات
الهی گشته در حق آن رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود ان فی قلب بنی آدم لمضغة اذا
صلحت صلح الجسد کله واذا فسدت فسد الجسد کله الا وهی القلب یعنی در بدن انسان مضغهٔ
گوشت ست اگر صالح شد تمام بدن صالح شد و اگر فاسد شد تمام بدن فاسد شد آگاه باش که
قلب ست و نفوس شان از رذائل صفات پاک گشته از اهوار باطله استغفار کرده بمرضیات
الهی اطمینان پذیرفته حق تعالی در حق وی میفرماید یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک
راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی یعنی سوای آن چهار گروه هر که را خدا خواهد
باین بزرگان ملحق سازد که حق تعالی میفرماید ومن یطع الله والرسول فاولئک مع الذین
انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین والشهدا والصالحین وحسن اولئک رفیقا و بعضی
احادیث دلالت دارند که جای قرار شهدا بیرون بهشت ست چنانچه احمد وطبرانی وابن
ابی شیبه بسند حسن از ابن عباس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود ارواح
شهدا بر نهری بر دروازهٔ بهشت در قبهٔ سبز ست برآید بسوی آنها رزق از جنت صبح وشام
وهناد بن سری وابن ابی شیبه از ابی بن کعب روایت کرده که شهدا باشند در چینها بیرون نهر یک
بهشت فرستاده شود بسوی آنها ماهی وگاو باهم ملاطم و معترک کنند و شهدا را با آنها
بازی کنند وقتیکه خواهند یکی از آنها دیگری را بکشند پس بخورند آنرا و لذت هر چیزکه در جنت ست
ازان یابند و آدم بن ایاس از مجاهد روایت کرده که بیرون جنت باشند و میوه جنت و
بوی آن بآنها رسد این احادیث در قوت مثل احادیث سابق نیستند و بتحمل که بعضی شهدا
بیرون جنت باشند چنانچه در احادیث شهدا چند مرتبه فرمود مردی صالح جید الایمان خالصا
لله شهید شد مرتبهٔ او اعلی ست انبیا بر وی بدرجهٔ نبوت فضل دارند و مرتبهٔ ست که عمل صالح

وغیر صالح میکند شهید شد گناهان او بخشیده شود لیکن از دخول جنت دین یا چیزی دیگری
از حقوق الناس او را مانع شود چنانچه مسلم از ابی قتاده و عبد الله بن عمرو بن عاص روایت کرده
که آنحضرت فرمود که شهید را همه گناهان بخشیده شود مگر دین جبرئیل من همین وقت گفته و
بعضی احادیث دلالت دارند که ارواح مومنین در آسمان هفتم باشند و منازل خود که در
بهشت اند می بینند این چنین ابو نعیم بسند ضعیف از ابی هریره روایت کرده و وهب بن
منبه گفته که در آسمان هفتم خانه ایست که آنجا ارواح مومنین جمع میشوند هر که می میرد آنجا
میرود ارواح سابق از وی اخبار دنیا می پرسند و سعید بن منصور از سلمان فارسی
روایت کرده که روح چون از بدن خارج شود در میان آسمان و زمین می باشد و ابن مبارک و
حکیم ترمذی و ابن ابی الدنیا و ابن مندوه از سعید بن مسیب از سلمان روایت کرده که ارواح
مومنین در برزخ باشند از زمین سیر کنند هر جا که خواهند و نفس کافر در سجین این حدیث
و اقوال اگر بدرجه صحت رسند محمول بران باید کرد که بعضی مومنان اعمال شان آنقدر
مساعدت نکنند که داخل بهشت شوند در آسمان هفتم باشند بعضی از انها آنچنان باشند که
از آسمان برتر نتوانند رسید در میان زمین و آسمان باشند لیکن محبوس بذنوب چندان نباشند
قدرت سیر داشته باشند و بعضی دیگر که بذنوب اسیر باشند قدرت سیر نداشته باشند طبرانی
از انس روایت کرده که جنازه آمد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پرسید که برین دین هست
گفتند هست فرمود نماز من نفع نخواهد کرد محبوس باشد در قبر روح او بسوی آسمان
صعود نکند اگر کسی ضمن رضامن شود نماز خوانم و ترمذی و ابن ماجه وغیره از ابی هریره
روایت کردند که روح مومن محبوس باشد تا که دین او ادا نشود و همچنین از آنحضرت از برای
بن عازب طبرانی روایت کرده که مدیون محبوس باشد شکایت تنهائی خود کند پیش خدا
و بزار و طبرانی از ابن عباس روایت کرده که آنحضرت فرمود که اینجا کسی از شهدای هست یار
شما بدروازه بهشت محبوس هست عوض دین اگر خواهند دین او ادا کنند و اگر خواهند
او را بعذاب خدا بسپارند پس کسی هست که بسبب دین یا مانند آن داخل بهشت نتواند شد
یا بدروازه بهشت نتواند رسید یا از آسمان برتر نرود یا در قبر محبوس باشد و ارواح کفار

همه شان در سجین زیر زمین هفتم جائیکه دوزخ ست محبوس باشند و صبح و شام بدوزخ پیش
آورده شوند النار یعرضون علیها غدوا و عشیا و یوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد
العذاب درین احادیث باین وجه تطبیق داده میشود و لیکن دیگر احادیث دلالت دارند که
ارواح مومنین و کفار همه شان در قبور آنها هستند چنانچه حدیث طویل براء بن عازب گذشته
که روح مومن را فرشتها تا آسمان هفتم رسانند حکم شود بنویسید کتاب بندهٔ من در علیین و باز
برید او را بسوی زمین که از زمین پیدا کرده ام و باز در وی گردانم و باز از وی بیرون آرم
پس داخل کرده شود روح در جسد او و دیگر احادیث هم باین معنی دلالت دارند تا آنکه ارواح
انبیا هم در قبور شان باشند رسول کریم صلی الله علیه و آله وسلم موسی علیه السلام را در شب
معراج دید که در قبر خود نماز میخواند و رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر که درود فرستد
بر من نزد قبر من بشنوم آنرا و اگر از دور فرستد رسانیده شود بمن بنا بر اختلاف روایات اول
علما درین باب مختلف اند ابن عبد البر گفته که این احادیث اخیره اصح اند و احادیث سوال
منکر و نکیر و نمودن مرده را مکان او در بهشت یا دوزخ و عذاب قبر و ثواب دران و زیارت قبور
و سلام بران و خطاب شان مانند خطاب حاضر عاقل دلالت بر همین دارند که ارواح شان
در قبور شان باشند و نسفی در بحر الکلام گفته که ارواح انبیا چون از جسد بیرون میشوند صورت
شان از مشک و کافور باشد و در بهشت باشند بخورند و بنوشند و تنعم کنند و شبانگاه در
قنادیل زیر عرش جا گیرند و ارواح شهدا در شکم پرنده سبز بخورند و بنوشند و تنعم کنند و شبانگاه
در قنادیل زیر عرش باشند و ارواح دیگر مردم مطیع از مومنان بیرون نزدیک بهشت باشند
انهار را خوردن و تمتع نباشد مگر آنکه ببیند بهشت را و ارواح مومنان عاصی در میان آسمان
و زمین باشند در میان هوا و ارواح کفار در سجین باشند در شکم جانوران سیاه زیر زمین
هفتم و آنها را بوجهی اتصالی باشد با جساد و ارواح را عذاب شود و جساد را در وجه چنانچه
آفتاب بر آسمان ست و نور وی در زمین و حافظ ابن حجر عسقلانی رحمة الله علیه می گوید
که ارواح مسلمانان در علیین و ارواح کفار در سجین و هر یک روح را با جسد خود اتصالی
باشد معنوی که مشابه آن اتصال نیست که در حیات دنیا بود بلکه اگر مشابهت داده شود

بحال خفته داده شود لیکن آن اتصال از اتصال خفته قوی تر ست شیخ جلال الدین سیوطی
گفته که باین تقریر آنچه در احادیث آمده که جای قرارشان در علیین و سجین ست و آنچه ابن عبدالبر
از جمهور نقل کرده که نزدیک قبور اند جمع میشود و فقیر در بمقام جمع بین الاحادیث دران می بیند
که ملائکه چون روح مومن را قبض کرده بسوی آسمان میبرند بالای آسمان هفتم میبرند از انجا حکم
می شود که نامهٔ او در علیین بنویسند و او را باز بسوی زمین برند که او را از همان زمین پیدا کرده ایم
و باز بسوی عائد سازم و باز از انجا بیرون آرم پس روح را داخل جسد آن کنند و سوال منکر
و نکیر شود و انبیا و کسی که مشابهت تامه با انبیا بهم رساند شان آنها از سوال ارفع ست و بعد
سوال چون بر جواب حق ثابت شود حکم شود که برای او فرش کنند از بهشت و پوشاک
و هند از بهشت و بگشایند برای او دروازه بسوی بهشت آنگاه روح او صعود کند بهمان راه
که از قبر بهشت باشد بسوی بهشت ارواح انبیا و شهیدان و صدیقان و اولیا دران
بهشت باشند و هر جا که خواهند سیر کنند و بخورند و بیاشامند و زیر عرش جاگیرند و در علیین و
اعلی علیین هر یک برحسب مراتب خود باشند و دیگر مومنان باظهار رسالی تا انجا نباشد
تا آسمان هفتم باشد و عصاة مومنین را تا که مغفرت ذنوب دست ندهد از آسمان ترقی نمیشود
در میان آسمان و زمین باشند و در برزخ زمین سیر نمایند بلکه در حالت پابندی معاصی بعضی را
از قبر ترقی نشود و محبوس باشند و کفار را که ارواح قبض کرده ببرند درهای آسمان بر ینها مفتوح
نشود و نامهٔ او در سجین نوشته شود و او را باندازند و روح در جسد او داخل نشود و از انجا برای او
راهی بسوی دوزخ گشاده شود از ان راه روح او را به سجین رسانند و صبح و شام بر دوزخ
عرض کرده باشند و بر بودن ارواح شهدا و صلحا در بهشت دلالت دارد قوله تعالی قیل ادخل
الجنة قال یالیت قومی یعلمون بما غفرلی ربی وجعلنی من المکرمین که در حق حبیب نجار
ست و انبیا و صدیقان افضل و اشرف اند از شهدا لیکن چون راهی از قبور شان تا بهشت
حق سبحانه تعالی مسلوک و نیز نزدیک ساخته است هرگاه کسی زیارت قبر کند یا سلام گوید
یا خطاب کند در طرفة العین انجا حاضر شود و جواب سلام گوید پس دین رسول صلی الله
علیه وآله وسلم موسی علیه السلام را در شب معراج در قبر در نماز و باز بر آسمان ششم در

همان شب بهمین سبب بود رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم در شب معراج از زمین تا سدرة المنتہی و جنة الماوی رفت و چه قدر سیر و احکام پیش آمد و باز بزمین تشریف آورد و بستر هنوز گرم بود و بعد مردن هر چند روح را با جسد بقسم اتصال نباشد که در حالت زندگی چنانچه قوله تعالی اللہ یتوفی الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت و یرسل الاخری الی اجل مسمی دلالت بران دارد لیکن بسته علاقه باقی می ماند که ازان ادراک راحت و رنج کند و قطع نظر ازان اگر روح علیحده معذب باشد و جسد علیحده معذب باشد این هم ممکن ست و جسدی روح هر چند نزد عوام احساس لذت و الم ندارد لیکن از شرع ثابت ست که عند اللہ احساس دارند اتینا طائعین و اوقات لربها و حقت و یومئذ تحدث اخبارها نصوص قرآنی ست و در حدیث آمده که یک کوه کوه دوم را میگوید که کسی بر تو ذکر کننده هم گذشته است اگر گوید آری خوش میشود و قوله تعالی انا عرضنا الامانة علی السموات و الارض الآیه و قوله تعالی وان من شئ الا یسبح بحمده و قوله تعالی فما بکت علیهم السماء و الارض و حدیث گریستن آسمان و زمین بر موت مسلمان و خوش شدن زمین از دفن مسلمان و ناپاکردن از دفن کافر دلالت دارد بر ین مدعا مولوی روم میفرماید شعر آب و باد و خاک آتش بنده اند ۞ پیش مامرده باحق زنده اند فائده حق تعالی در حق شهدا میفرماید بل احیاء عند ربهم اقول مراد شاید آن باشد که حق تعالی ارواح شان را قوت احیا و سیدهد هر جا که خواهند سیر کنند و این حکم مخصوص شب نیست انبیا و صدیقان از شهدا افضل اند و اولیا هم در حکم شهدا اند که جهاد با نفس کرده اند که جهاد اکبر ست یعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر ازان کنایت ولهذا اولیاء اللہ گفته اند ارواحنا اجسادنا اجسادنا ارواحنا یعنی ارواح ما کار اجساد می کنند و گاهی اجساد از غایت لطافت برنگ ارواح می برایند و میگویند که رسول خدا را سایه نبود صلی اللہ علیہ وآله وسلم ارواح انسان در زمین و آسمان و بهشت هر جا که خواهند میروند و دوستان و معتقدان را در دنیا و آخرت مددگاری می فرمایند و دشمنان را هلاک می نمایند و ارواح شان بطریق اویسیه فیض باطنی میرسند و بسبب همین حیات اجساد آنها را دقبر خاک نمی خورد بلکه کفن هم می ماند ابن ابی الدنیا از مالک روایت کرده ارواح

مومنین هر جا که خواهند سیر کنند مراد از مومنین کاملین اند و حق سبحانه تعالی اجساد ایشان
را قوت ارواح میدهد که در قبور نماز میخوانند و ذکر میکنند و قرآن میخوانند حضرت مجدد
رضی الله عنه فرموده که حق تعالی بعضی اولیا را جسم موهوب میدهد و این حکم در حق شهدا
از حدیث ثابت است که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده وقتیکه انسان شهید
میشود حق تعالی جسد نازل میکند بهترین صورت و گفته میشود بروح او را که درین بدن داخل
شو پس می بیند جسد اول را آنچه باوی کرده میشود و سخن میکند و گمان می برد که مردم سخن
او را می شنوند و گمان می برد که مردم او را می بینند تا که می آیند ازواج او حور عین پس
او را همراه خود میبرند این حدیث را ابن منده مرسل روایت کرده

باب اعمال زندگان بر اقربای مرده عرض کرده میشود

احمد و غیره از انس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم اعمال شما بر اقربای شما که
مرده اند ذکر کرده میشود اگر اعمال خوب می باشند خوش میشوند و اگر بد می باشند ناخوش
میشوند و میگویند که الهی آنها را نمیران تا که هدایت کنی و همچنین طیالسی از جابر بن عبد الله
و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از ابی ایوب روایت کرده و درین باب احادیث از نعمان
بن بشیر و ابی هریره و ابی الدرداء وغیره مرویست **باب** ارواح مومنان در خواب عروج
میکنند تا عرش و در عروج عرش ظاهر امراد ارواح مومنان کاملان ست از انبیا و اولیا
چون شیاطین را در خوابهای انبیا دخل ممکن نیست خوابهای شان داخل وحی ست و عروج
ارواح اولیا تا فوق آسمانها میشود خوابهای شان اکثر صادق میباشد و چون عروج
ارواح عوام بالای آسمانها نباشد خوابهای شان اکثر اباطیل میباشد در خوابهای اولیا
که از زیر آسمان بینند گاهی خلط شیاطین میشود از علی رضی الله عنه روایت کرده شده که سید ما
صلی الله علیه وسلم فرمود مرد یا زن چون خواب میکند روح او بسوی عرش صعود میکند
و آنجا در آسمانها آنچه در خواب می بیند آنخواب صادق میباشد و چون از آنجا باز می آید و زیر
آسمان ها می بیند شیاطین در هوا ملاقات میکنند و دفع میکوبند آن خواب کاذب میباشد

وبیهقی از عبد الله بن عمرو بن العاص روایت کرده که ارواح می روند بسوی آسمان وامر کرده
میشود بسجود نزد عرش پس هر که پاک میباشد سجده میکند نزد عرش و هر که پاک نباشد سجده
میکند بعید از عرش وابن مبارک از ابی الدرداء روایت کرده که روح آدمی در خواب عروج
میکند بسوی عرش پس هر که پاک میباشد اذن میشود او را بسجود واگر مجنب باشد اذن نمیکرد
شود بسجود **باب** در انچه مرده را از زندگان ایذا میرسد طبرانی وحاکم از عماره بن حزم
روایت کرده که مرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بر قبری نشسته دید فرمود که از قبر فرود آی
ایذا مکن صاحب قبر را و او ترا ایذا نکند وبخاری از عائشه روایت کرده که فرمود رسول صلی الله
علیه وآله وسلم مرده گان را بد نگویید بدرستی که آنها رسیدند بدانچه کرده بودند ودر روایت ابن ابی الدنیا
آمده یاد نکنید مرده گان را مگر بخیر اگر آنها از اهل بهشت اند گنه گار خواهید شد شما واگر آنها از اهل دوزخ اند
بس ست آنها را انچه در ان هستند نسائی از صفیه بنت شیبه روایت کرده که بحضور آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم مرده را به بدی یاد کرده آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بجز نیکی
یاد نکنید وابو داود از ابن عمر روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که نیکیهای مرده
ذکر کنید و بدیهای او کمتر کنید وابن ابی شیبه از عقبه بن عامر صحابی آورده که گفت که اگر قدم نهم بر
آتش یا بر شمشیر تیز ست نزد من از انکه قدم نهم بر قبر بقضاء حاجت کردن در مقابر و در بازار
بحضور آدمیان یکسان میدانم وابن ابی الدنیا روایت کرده که سلیم بن عنزانه در مقبره بول نکرد و
گفت حیا میکنم از مرده گان چنانچه از زندگان میکنم وسعید بن منصور وابن ابی شیبه از ابن مسعود
روایت کرده که پرسیده شد از پایمال کردن قبر فرمود که چنانچه ایذای مومن در حیات مکروه میدانم
همچنین ایذای او بعد موت مکروه میدانم **فصل** رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده
المیت یعذب ببکاء اهله علیه یعنی مرده عذاب کرده میشود بسبب گریستن ونوحه کردن اهل او
بروی این حدیث را بخاری از عمر بن الخطاب وابو یعلی از ابی بکر صدیق وابی هریره وابن حبان
از عمران بن حصین وانس وطبرانی از سمره بن جندب وابن مندة از مغیره بن شعبه وابن سعد
از ابن عمر روایت کرده ودر صحیحین از عائشه روایت کرده که پیغمبر خدا همچنین نفرموده است
که هر مرده بسبب نوحه اهل او معذب باشد بلکه این حدیث در حق مرده کافر ست یا در حق

کسی که بسبب دیگر گناهان معذب ست آن حضرت فرموده که اهل میت بر میت گریه و نوحه میکنند
و او عذاب کرده میشود و معنی حدیث سابق بهمین معنی فرود آورده و قوله تعالی لا تزر وازرة وزر
اخری یعنی بر نمی دارد هیچکس گناه دیگری را دلالت دارد که هیچکس بسبب گناه دیگری مأخوذ نخواهد
شد لهذا علما حدیث سابق را تاویل میکنند بعضی تاویل میکنند چنانچه عائشه گفته یعنی محمول
ست بر میت کافر یا فاسق و بعضی میگویند مراد از میت کسی ست که عادت او نوحه بود یا
کسی که بنوحه وصیت کرده و امام بخاری باینمعنی قائل گشته و بعضی میگویند که مراد کسی ست
که میداند که بعد من اهل من نوحه خواهند کرد و او ازان منع نکرده و بعضی میگویند که مراد از تعذیب
توبیخ ملائکه ست بدانچه اهل او ندبه میکنند ترمذی و حاکم و ابن ماجه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و آله وسلم که هر که بمیرد و ندبه کنندهٔ بر وی بگوید و اجبلاه و سیداه و مانند آن و
فرشته در سینهٔ او بزنند و بگویند آیا اینچنین بود وی گوییم اگر میت نوحه کرده بر وی نباشد مستحق
این توبیخ هم نباشد و بعضی میگویند که میت متألم و رنجیده میشود از انچه اهل او میکنند
طبرانی و ابن ابی شیبه از قیله بنت مخرمه روایت کرده که وی ذکر کرده نزد رسول صلی الله
علیه و آله وسلم فرزند خود را که مرده بود بستر گریست پس فرمود رسول الله صلی الله علیه
و آله وسلم آیا غالب میشود بر یکی از شما که صحبت دارد با دوست خود در دنیا بخوبی و قتیکه بمیرد
انا لله و انا الیه راجعون گوید قسم کسی که جان محمد در دست اوست بدرستی که یکی از شما گریه میکند
پس عذاب میکنند بسوی هر دوست او پس ای بندگان خدا عذاب مکنید مردهٔ خود را این قول را ابن
جریر و ابن تیمیه و اکثر ائمه اختیار کرده اند سعید بن منصور روایت کرده که ابن مسعود زنان را
که در جنازه دیده فرمود باز گردید ماذورات یعنی بار بردارنده گناه غیر ماجورات بدرستی که در
فتنه میگذارند زندگان را و ایذا میکنند مردگان را و یحیی بن سعید از حسن بصری
روایت کرده که بدترین آدمیان برای میت اهل اوست که بر وی گریه میکنند و بدین او را ایذا میکنند

باب در چیزی که میت را در قبر او نفع کند

ابو نعیم از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود که بندهٔ مومن

می میرد هر دو فرشته یعنی کاتبان اعمال او بسوی آسمان صعود میکنند و میگویند ای پروردگار
ما را موکل کرده بودی برای نوشتن عمل و او را قبض روح کردی پس ازان فرمان میرسد که در آسمان باشیم
حکم شود که آسمان من پر است از فرشتگان من تسبیح میکنند برای من پس بگویند که اذن فرما
که در زمین باشیم پس فرماید که زمین من هم پر است از خلق من تسبیح میکنند لیکن شما بر قبر
همان بندهٔ من استاده باشید و تسبیح و تهلیل و تکبیر من گفته باشید تا روز قیامت و آن را
برای بندهٔ من بنویسید ظاهر آنست که این حکم برای مومن کامل ست که چهار فریق اند و ابن
ابی الدنیا و ابو نعیم در حلیه از ثابت بنانی روایت کرده که چون مسلمان در قبر نهاده شود اعمال
صالحه او را احاطه کنند و آید فرشتهٔ عذاب پس بعضی اعمال او بگویند دور شو ازوی اگر نمی بود
او را بجز من تا هم نمیرسیدی تو بوی و در صحیحین از انس ست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم
وقتیکه کسی مرده سه چیز پیروی او میکنند اهل و مال و عمل دو چیز باز میگردند و عمل نزدوی باقی میماند
و ابن ابی الدنیا از یزید بن منصور روایت کرده که مردی که قرآن میخواند وقت مرگ چون ملائکه
عذاب حاضر شدند تا قبض روح کنند قرآن برآمد و گفت ای پروردگار مسکن من ست که در ان
مرا ساکن کردی حق تعالی فرمود بگزارید برای قرآن مسکن او را و صحیحین از ابی هریره روایت
کرده که هیچ رفیق در قبر محبوب تر بسوی مرده از استغفار کثیر نیست و در صحیح مسلم از
ابی هریره مرفوعست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم وقتیکه انسان مرد عمل او منقطع شد مگر سه چیز
یکی صدقه جاریه یعنی وقف دوم علم که مردم ازوی نفع میگیرند یعنی مردم بعد مردن از علوم
او منتفع میشوند یعنی تلامذه گذاشته یا کتب تصنیف کرده گذاشته سوم اولاد صالح که برای
او دعا کنند و احمد از ابی امامه از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم چهار چیز آورده چهارم شخصی که مرابط
ست در راه خدا یعنی برای محافظت اهل اسلام بر راه عبور کفار بوده جهاد نشسته بود و مرد
عمل او هم بعد موت جاری باشد و ابن ماجه و ابن خزیمه از ابی هریره روایت کرده که رسول
فرمود صلی الله علیه و آله و سلم انچه مسلمان را بعد موت او از حسنات او میرسد علم ست که پراگنده
کرده یا ولد صالح گذاشته یا مصحف گذاشته یعنی تا مردم دران تلاوت کنند یا مسجد یا
مسافرسرا بنا کرده یا نهر جاری کرده یا صدقه در حالت صحت از مال خود برآورده پس بعد موت او

بعوی لاحق شده و ابو نعیم و هزار و هفت چیز ذکر کرده از انجمله آنکه چاهی کنده یا درخت
نشانده و ابن عساکر از ابی سعید خدری از آنحضرت روایت کرده که هر که یک آیت از قرآن یا یک
مسئله از علم کسی را بیاموزد جاری دارد الله تعالی ثواب آن تا روز قیامت و طبرانی از ابی بریره
آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که الله تعالی در بهشت برای بنده صالح درجه بلند
میکند آن بنده بگوید که الهی مرا این درجه از کجا شد گوید بسبب استغفار ولد تو برای تو و نیز
از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که مردی را مثل کوهها از
حسنات روز قیامت بیارند گوید این از کجاست گفته شود که بسبب استغفار فرزندست و در
صحیح مسلم از جریر بن عبد الله از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که هر که طریقه
نیک جاری کرد یعنی حسنه ارواح داد او را ثواب آن حسنه باشد و ثواب هر کس که بدان
حسنه عمل کرده باشد رسد بی آنکه ثواب عمل کننده آن حسنه کم شود و هر که طریقه بد جاری کرد
یعنی عمل بد ارواح داد او را گناه آن عمل باشد و هم گناه کسانیکه بدان عمل کنند بی آنکه چیزی
از گناه عمل کنندگان کم شود ابن سعد از زهری روایت کرده که سلیمان بن عبد الملک
را گفته که از چیزهائی که خلیفه را در قبر محفوظ دارد آنست که بعد خود مردی صالح را خلیفه سازد
بیهقی و دیلمی از ابن عباس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که میت مرده
در قبر مانند غرق شونده فریاد کننده انتظار میکند دعای خیر را که برسد او را از پدر یا
مادر یا فرزند یا دوست معتمد علیه پس چون میرسد او را باشد محبوب تر بسوی او از دنیا و ما
فیها و بدرستیکه حق تعالی داخل میکند بر قبور از دعای اهل زمین مانند کوهها و بدرستیکه هدیه
زندگان بسوی مردگان استغفار ست و ابن ابی الدنیا از سفیان روایت کرده که چنانچه
زندگان بسوی طعام و آب محتاج اند مردگان بسوی دعا ازین محتاج تر اند و از اکثر علماء
منقول ست اجماع بر آنکه دعای زندگان مرده را نفع میکند و دلیل آن از قرآن ست
قوله تعالی والذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان
و طبرانی در اوسط از انس از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرموده
که امت من امت مرحومه است داخل قبرها میشوند با گناهان و بیرون خواهند آمد از قبرها

نی نباشد دور شوند گناهان شان بسبب استغفار مومنان برای آنها و در صحیحین از عائشه رضی الله
عنها مرویست که مردی گفت یا رسول الله که مادر من بمفاجات مرد و چیزی وصیت نکرد و
گمان دارم که اگر سخن میگفت تصدق میکرد آیا او را ثواب باشد اگر من تصدق کنم از
طرف وی فرمود آری و بخاری از ابن عباس روایت کرده که سعد بن عباده گفت که یا
رسول الله مادر من مرده و من غائب بودم اگر من از طرف او صدقه کنم او را نفع رسد فرمود
آری پس سعد گفت من شاهد میکنم ترا یا رسول الله که باغ من صدقه ست از طرف او و احمد
و اصحاب سنن اربعه از سعد بن عباده روایت کرده که گفت یا رسول الله مادر من مرده
کدام صدقه افضل ست فرمود صدقه آب پس چاهی کندید و گفت که ثواب این چاه برای
ام سعد ست و همچنین طبرانی بسند صحیح از انس آورده و طبرانی از ابن عمرو روایت کرده که
رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم وقتیکه تصدق کند یکی از شما صدقه نفل باید که کند آن
صدقه را از پدر و مادر خود پس باشد ثواب آن صدقه پدر و مادرش را و کم نشود از اجر او چیزی
و همچنین دیلمی از معاویه بن حیده روایت کرده و طبرانی در اوسط از انس روایت کرده که رسول
فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که نباشد اهل خانه که کسی از انها مرده پس تصدق کنند از طرف او
بعد موت او مگر آنکه هدیه کنند برای او جبرئیل پر طبقی از نور و ایستد بر کناره قبر او و بگوید ای
صاحب قبر عمیق این هدیه فرستاده ست ترا اهل تو پس قبول کن پس آن هدیه بروی
داخل شود پس خوش شود بدان و غمگین شود همسایگان او که هدیه بسوی شان نفرستاده
شده و ابن ابی شیبه از سعید بن سعید روایت کرده که اگر از طرف میت پانچه صدقه کرده
شود هر آینه رسد او را و طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که زنی گفت یا رسول الله
حج کنم از طرف مادر خود فرمود اگر بودی بر مادر تو دین او ادا میکردی گفت آری پس امر کرد
او را که حج کند همچنین بزار و طبرانی بسند حسن از انس روایت کرده که آنحضرت امر کرد
مردی را برای ادای حج از طرف پدرش و طبرانی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و آله وسلم هر که حج کند از طرف مرده پس حج کننده را هم همان قدر ثواب
باشد و بیهقی و اصبهانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم

هر که حج کند برای والدین خود بعد مردن شان بنویسد الله تعالی برای او آزادی از آتش و
مادر و پدرش را ثواب حج کامل میرسد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم صلهٔ رحم بهتر ازین
نیست که برای او حج کند بعد موت او ابن ابی شیبه از عطا و زید بن اسلم روایت کرده که مردی
گفت یا رسول الله آزاد کنم از طرف پدر خود که مرده است فرمود آری و نیز از عطا روایت کرده
که میرسد بعد موت ثواب عتق و حج و صدقه و روایت کرده از محمد باقر رضی الله عنه که حسن و
حسین علیهما السلام از طرف علی مرتضی رضی الله عنه آزاد میکردند و ابن سعد از قاسم بن
محمد روایت کرده که عائشه از طرف برادر خود عبد الرحمن از مال قدیم خود آزاد کرد با میدان
که نفع کند او را بعد موت او و ابو الشیخ از عمرو بن العاص روایت کرده که گفت یا رسول الله عاص
وصیت کرده بود و بآزاد کردن صد برده پس آزاد کرد هشام از انجمله پنجاه فرمودند صدقه و
حج و عتق کرده نمیشود مگر از مسلم اگر مسلم میبود او را ثواب میرسید و ابن ابی شیبه از حجاج بن دینار
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم از جمله نیکی کردن باید و مادر آنست که نماز گزارد
برای آنها با نماز خود و روزه داری برای آنها با روزه خود و صدقه دهی از طرف آنها با صدقه
خود و در صحیحین از عائشه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که بمیرد و بر وی روزه
واجب باشد روزه دار و از طرف او قریب او و مسلم در صحیح از بریده روایت کرده که زنی گفت
یا رسول الله صلی الله علیه وسلم برادر من روزه دو ماه واجب بود اگر من از طرف او روزه دارم
کفایت کند او را فرمود آری باز گفته که مادر من گاهی حج نکرده بود اگر من از طرف او حج کنم
او را کفایت کند فرمود آری چون ثابت شد که ثواب عبادتی بدنی مانند نماز و روزه و حج
و عبادات مالیه از صدقه و عتق و کندن چاه بمیت میرسد لهذا جمهور فقها حکم کرده اند
که ثواب قرأت قرآن و اعتکاف و غیره هر عبادت بمیت میرسد به قال ابو حنیفه و مالک و
احمد و شافعی درین خلاف کرده حجت می آرند بقوله تعالی لیس للانسان الا ما سعی و چون بنصوص
مذکوره و اجماع و بقوله تعالی لتجزی کل نفس بما تسعی ثابت شده که از اعمال غیر هیچ گاهی منتفع میشود پس
تاویل این واجب شده پس بعضی گفته که این آیت منسوخ است بقوله تعالی الحقنا بهم ذریتهم الآیه و بعضی گفته که
این حکم خاص ست بامت ابراهیم و موسی علیهما السلام و بعضی گفته که لام بمعنی علی ست

یعنی لیس علی الانسان الا ما سعی و بعضی گفته که مراد از انسان کافر ست بقرینهٔ سیاق کلام و تاویل نزد فقیر آنست که معنی سعی جد و کوشش ست و امر و معنی آنست که هر کاری که انسان میکند انچه نیت و قصد او در انکار باشد همان او را میرسد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم انما الاعمال بالنیات و انما لکل امرئ ما نوی فمن کانت هجرته الی الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله و من کانت هجرته الی الدنیا یصیبها او امراة ینکحها فهجرته الی ما هاجر الیه حافظ شمس الدین بن عبد الواحد گفته از قدیم در هر شهر مسلمانان جمع میشوند و برای اموات قرآن میخوانند پس اجماع شده و خلال از شعبی روایت کرده که بعضی انصار وقتیکه کسے میمرد از انها بسوی قبر او می رفتند و برای او قرآن میخواندند و ابو محمد سمرقندی از علی رضی الله عنه از ان حضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هر که در مقابر گذشت و قل هو الله احد یازده بار خوانده ثواب آن باموات بخشید او را ثواب داده شود بعدد مردگان و ابو القاسم سعد بن علی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که داخل مقابر شود پس بخواند فاتحه و قل هو الله احد و الهکم التکاثر و بگوید انچه خوانده ام ثواب آن باهل قبور از مومنین و مومنات گردانیدم آنهمه مردگان برای او شفیع باشند بسوی الله تعالی و عبد العزیز صاحب خلال بسند خود از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که داخل مقابر شود و سورهٔ یسین بخواند از مردگان تخفیف عذاب شود و او را بعدد مردگان حسنات باشد قرطبی گفته که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بخوانید بر مردگان خود یس جمهور میگویند در وقت مردن بخوانند و عبد الواحد مقدسی گفته که نزد قبور بخواند و محب طبری گفته که در هر دو حال خواند و در احیاء العلوم از احمد بن حنبل روایت کرده — که وقتیکه در مقابر داخل شوند فاتحه و معوذتین و قل هو الله احد خوانند و برای اهل مقابر گردانند بآنها رسد و بالا گذشته خوانند فاتحه نزد سر میت و خاتمهٔ سورهٔ بقره نزد پای او از حدیث ابن عمر از انحضرت صلی الله علیه وسلم و اول سورهٔ بقره و خاتمهٔ آن از حدیث علائی ابن الحلاج و الله اعلم

باب احسان و قائدہ برای اموات

ابو نعیم از ابن مسعود روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم هر که را اتفاق مردن
شد نزد تمامی رمضان یا تمامی عرفه یا داد ان صدقه داخل بهشت شود و ابو نعیم از عیشه روایت
کرده که بودند سلف خوش میکرد آنها را مردن کسی نزد عمل صالح حج یا عمره یا روزه رمضان
یا جهاد و احمد از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که لا اله الا الله گفته
یا روزه داشته یا صدقه داده برای حق تعالی و بران ختم شد داخل بهشت شود و دیلمی
از عائشه رضی روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که روز جمعه یا شب جمعه مرد
از عذاب قبر پناه یافت و روز قیامت آید و بر وی علامت شهدا باشد

باب در انکه جسد انبیا و شهدا در قبر خاک نشود

حاکم و ابو داود از اوس بن اوس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بیشتر
درود بفرستید بر من روز جمعه پس هر کسیکه درود شما بر من عرض کرده خواهد شد گفتند
یا رسول الله چگونه عرض کرده شود بر تو و حالی که تو بوسیده یعنی خاک شده باشی فرمود
حق تعالی حرام کرده است بر زمین اجساد انبیا را و ابن ماجه از ابی الدرداء و مانند آن روایت
کرده امام مالک بیهقی و غیره روایت کردند که چون معاویه خط آورد از راه جبل احد گفت هر کس
قتیل او انجا مدفون باشد آنجا خبر گیرد مردم عمرو بن جموح و عبد الله بن جسود و عبد الله
بن عمرو بن حرام را از انجا برداشته نقل مکان کردند بدنهای شان سالم برآمده تازه و بوی
مشک از انها می آمد و کلند بپای حمزه رسید خون ازان جاری شد ازینجا معلوم میشود
که انبیا و شهدا را هر چند ارواح اعلی علیین باشند لیکن علاقه شان ببدن زیاده باشد
از انچه دیگر را باشد و لهذا انها را احیا میگویند و همچنین باشد حال صدیقان و صالحان یعنی
اولیا و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مؤذن که بر ای
خدا اذان میکند مانند شهید آلوده بخون است و چون بمیرد کرم نشود در قبر او قرطبی گفته
که ظاهر آنست که او را خاک نخورد و ابن منده از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم وقتیکه حامل قرآن می میرد وحی میکند حق تعالی بسوی زمین

که گوشت او را نخوری زمین گوید ای رب چگونه خورم گوشت او را در حالیکه کلام تو در شکم
اوست ابن منده گفته که در باب ذکر ابی بریره و ابن مسعود نیز مرویست و مروزی از قتاده
روایت کرده که ما را رسیده است که زمین مسلط نشود بر جسدی که گناه نکرده باشد اقول
بندگان صالح یعنی اولیاء الله که قلوب و ابدان آنها صلاح یافته اند از گناهان محفوظ و معصوم
زمین بر اجساد آنها هم مسلط نشود چنانچه شهدا را که سیف آنها را از گناهان پاک کرده است
والله اعلم والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین
وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین وعلی الملائکة المقربین وعلی عباد الله الصالحین برحمتک
یا ارحم الراحمین ط

خاتمة الطبع سپاس خدایرا که در بندگان موت و حیات برای امتحان مقرر گردانیده و در قبور مطیعان
را به نعمت و عاصیان را به نقمت رسانیده و درود و پیغمبر برا که مومنان را مژده علیین و کافران را
بیم سجین داده و آل و اصحابش را که در راه تحصیل حسن خاتمه قدم فراتر نهاده اما بعد چون اهل
ایمان را دانستن حال موت و شناختن سعادت و خامت عاقبت ضروریست تا در تحصیل موجبات
حسن انجام کوشند و از اسباب سوء خاتمه پرهیزند لهذا احقر العباد محمد عبد الرحمن بن حاجی
محمد روشن خان اسکنه الله دار الجنان رساله متبرکه تذکرة الموتی و القبور تصنیف حضرت
علم الهدی علامة الوری قاضی محمد ثناء الله صاحب پانی پتی قدس سره که در
احوال اموات و قبور حسن تالیف یافته در مطبع نظامی در ماه صفر سنه ۱۲۹۰ بطبع و آورده
انشاء الله تعالی بعد ازین رساله تذکرة المعاد هم حلیه طبع پوشیده جلوه ظهور خواهد داد امید
چون ناظرین از مطالعه اش حظ برداشتند مهتمم را بدعای حسن خاتمه یاد آرند فقط

وجه ختم خاتمه برای سند اینمعنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط نموده شد

